

حزب توده ایران داشتن اعتقادات مذهبی را منافی با عضویت در صفوف خویش نمی‌شمرد و به عقاید مذهبی مردم و اعضای خود احترام می‌گذارد

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره چشم، سال اول، شماره ۱۳، خه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸
تک شماره، ۱۵ ریال

حزب توده ایران و مذهب

افترای «بی‌وطنی»، «اجنبی پرستی» و «لامذهبی» به اعضای حزب توده ایران تازگی ندارد. مهم‌ترین کارشاسان وارد کردن این نوع افتراآت عمال رژیم گذشته بودند. جانشین آن‌ها شدن افتخاری بیار نمی‌آورد.

حزب توده ایران یک سازمان سیاسی است نه یک جریان مذهبی، و در این سازمان سیاسی، مانند هر سازمان سیاسی نظیر، همه کسانی که برنامه و اساسنامه آن سازمان را می‌پذیرند، صرف نظر از تعلقات مذهبی و قومی خود،

عضویت می‌یابند. حزب توده ایران هرگز اعتقادات مذهبی داوطلبان عضویت را شرطی برای این عضویت قرار نداده است. زحمتکشان ایران، اعم از هر مذهبی که بدان معتقد بودند، در گذشته و حال، در صورت موافقت با برنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این حزب، در صفوف آن وارد می‌گردند. از آنجا که حزب توده ایران، حزب زحمتکشان ایران است و برای تأمین منافع اکثریت مردم، یعنی زحمتکشان یدی و فکری، بایستی پیگیر بقیه در صفحه ۴

تضعیف رهبری انقلاب به سود ضد انقلاب است

ضد انقلاب، در وجود امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و بقایای رژیم سرنگون شده پهلوی، در تمام زمینه‌ها و به اشکال گوناگون، برای متوقف ساختن سیر تکاملی انقلاب و از بین بردن دستاوردهای انقلاب در تلاش تب‌آلودی است. مظاهر و عواقب شوم این تلاش ننگین را در ترور شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و انقلابی، در خرابکاری در دستگاه اقتصادی و اداری، در ایجاد اختلافات مصنوعی و دامن زدن به اختلافات قابل حل بین نیروهای انقلابی، بین سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی، بین شیعه و سنی، بین خلق‌های ایران و در شایعه‌سازی و دروغ‌پردازی - در یک کلمه در تفرقه‌افکنی - هر روز به چشم می‌بینیم.

ولی در میان تلاش‌هایی که ضد انقلاب به کار می‌برد، مهم‌ترین آن و خطرناک‌ترین آن توطئه‌هایی است که برای تضعیف رهبری انقلاب - رهبری امام خمینی - صورت می‌گیرد.

امپریالیسم و ارتجاع، رهبری انقلاب را بزرگ‌ترین سد در برابر توطئه‌های خائنه و تلاش‌های ننگین خود می‌دانند و به همین جهت با تمام نیروی اهریمنی خویش و با تمام امکانات و پایگاه‌هایی، که متأسفانه هنوز در ایران دارند، می‌کوشند که آنرا تضعیف کنند.

تلاش ضد انقلاب برای تضعیف رهبری انقلاب، در زمینه‌ها و به اشکال گوناگون انجام می‌گیرد: یاران و هواداران برجسته امام خمینی را ترور می‌کنند، در اجرای رهنمودها و تصمیمات ایشان خرابکاری می‌کنند، عقاید و نظریات ایشان را تخطئه و تحریف می‌کنند، از حکم مبهم و مشکوکی درباره اصطلاح «مشاوره» در امر رهبری انقلاب سخن می‌گویند، ارگان‌های زیر نظر مستقیم ایشان، مانند دادگاه‌های انقلاب و کمیته‌های انقلاب را، مورد حمله قرار می‌دهند، نقائص و کمبودهای این ارگان‌ها را، که البته باید در برطرف کردنشان با جدیت کوشید، بیش از اندازه بزرگ می‌کنند، عمده را با غیر عمده مخلوط می‌کنند و غیر عمده را جانشین عمده می‌سازند و...

دلیل این که ضد انقلاب، رهبری انقلاب را بزرگ‌ترین سد در بقیه در صفحه ۴

امام خمینی گفت:

«امپریالیسم آمریکا بزرگ‌ترین خطر برای ایران محسوب می‌شود. عمال آمریکا مسئول ترور سرلشکر قرنی و آیت‌الله مرتضی مطهری هستند...
عمال آمریکا در جریان این ترورها خود را در پشت سازمان مذهبی دروغین فرقان پنهان کرده‌اند...»

همبستگی و وابستگی

چندی پیش، گروهی افراد بی‌مسئولیت، با روحیه خنوت و تجاوز، وارد دفتر کار روزنامه حزبی ما در یکی از مراکز شهرستانی شدند و به رفتاری حزبی ما در این دفتر پیشنهاد کردند که: یا شعار «مرگ برشوروی» را بر در و دیوار دفتر حزبی بزنید، یا نه، همه چیز را با خاک یکسان خواهیم کرد! این واکنش ناهنجار، دنباله یک سلسله تبلیغات دور و درازی است که همیشه علیه همه اجزای کارگری انقلابی جهان و از آن جمله حزب ما شده است و الهام‌دهنده آن کسی غیر از امپریالیسم نیست. این تبلیغات را شاه مخلوع نیز تحت عنوان «توده‌ای بی‌وطن» دائماً تکرار می‌کرده بقیه در صفحه ۴

یاد افراشته، شاعر توده‌ای، گرامی باد!

بشکنی ای قلم ای دست اگر پیچی از خدمت محرومان سر



نام محمدعلی افراشته - عضو حزب توده ایران که تا اوایلین دم به آرمان‌های خلقی و طبقاتی حزب خود وفادار ماند - علیرغم توطئه سکوت پس از کودتای ۲۸ مرداد، امروز از محبوب‌ترین نام‌ها و خود وی از شناخته شده‌ترین چهره‌هاست، اگرچه نسل جوان ما کمتر با وی و شیوه کار و آثارش آشنائی دارد.

پس از شهریور ۲۵ افراشته به‌مثابه شاعری خلقی و مبارز و انساندوست، معروفیت فراوان پیدا کرد. روزنامه‌ها اشعارش را چاپ می‌کردند و مردم در اجتماعات گردآمده و شعرهای او را، که خودش می‌خواند، می‌شنیدند. روزنامه «چنگر» او دست به‌دست می‌گشت و همه‌کس مجذوب صراحت و صداقت این گیلهر توده‌ای و شیوه خلقی و زنده کار و خلاقیت او می‌شد. خودش می‌گفت: «شهرم مال جنوب شهر است». در واقع هم چه شعرهایش و چه نمایشنامه‌ها و داستان‌هایش، همه در خدمت توده‌های محروم بود. او ترجیح می‌داد که قلمش و دستش شکسته باشد تا آن‌که از خدمت محرومان سر بیچند. مرگ او در ۵۱ سالگی، در مهاجرت سیاسی، ضرب‌های به‌حزب او و به‌ادبیات‌خلقی ایران بود. تجلیل کنونی از نام و آثار او در همه محافل و تقریباً همه مطبوعات نشانیست از محبوبیت فراوان این شاعر توده‌ای - توده‌ای هم به‌معنای متعلق به‌خلق و هم به‌معنای تعلقش به‌حزب توده ایران.

در بیستین سالگرد درگذشت او نامش گرامی و خاطره‌اش پایدار باد!

در برابر جبهه متحد خلق قدر قدرترین دشمن‌ها قادر به مقاومت نیست

بوده است. در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۵، هنگامی که دیو فاشیسم سراسرجهان را تهدید می‌کرد، حزب توده ایران برای نخستین بار همه نیروهای ملی و مترقی را به تشکیل جبهه ضد فاشیسم دعوت کرد. زمانی که گسترش جنبش مردم، امپریالیسم بقیه در صفحه ۴

نیروهای انقلابی امکان‌پذیر نیست. حزب توده ایران طی زندگی ۳۸ ساله خود، پیوسته تک آوای وحدت عمل نیروها در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع

در این دوران دشوار گذار انقلابی، که کشور ما با مشکلات فراوان سیاسی، اقتصادی، داخلی و خارجی روبروست، وحدت عمل نیروها و سازمان‌های مترقی سیاسی برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب پیش از هر وقت ضرورت خود را آشکار می‌کند. همان‌طور که در روزهای انقلاب پیروزمند مردم علیه رژیم تبهکار سلطنت، وحدت کلمه و وحدت‌عمل نیروهای خلق، راز و رمز پیروزی بود و توانست یک رژیم تا دندان مسلح را، که به نیرومندترین امپریالیسم جهانی متکی بود، چون آدمک برفی ذوب کند و به‌خاک گرم بنشاند، امروز نیز حل دشواری‌های موجود، جز با دست‌های بهم گرم‌خورده همه

مشت نیرومند دادگاه‌های انقلاب

مشت نیرومند دادگاه‌های انقلاب بار دیگر با قاطعیت تحسین‌آفرینی بر پیکر شکست خورده، ولی هنوز جان نابخسته ضد انقلاب فرود آمد. دادگاه‌های انقلاب اعلام نمودند که ۲۱ جنایتکار و خائن و فاسد و شکنجه‌گر شناخته شده و سپس ۶ تن خائن و سرسپرده رژیم منط و منجمله دو نفر از برجسته‌ترین نمونه‌های سرمایه داران وابسته، وابسته به امپریالیسم و به صهیونیسم و بدستگاه فرعون و فاسد محمد رضای فاجر، به‌جوخه اعدام سپرده بقیه در صفحه ۴

باز هم، همان حقیقت بزرگ

فرزانه ۱۹ ساله می‌نویسد:
«خدمت رفقا و هم‌زمان عزیز توده‌ای، سلام! امیدوارم همواره در راه پرفراز و نشیب و انسانی‌تان پیروز و پیشرو باشید. پدر بزرگ من کشاورز بود و از هواداران حزب توده ایران، یا به‌عبارتی حزب خودش. او در حدود چهارماه پیش فوت کرد و بمن، که بزرگ‌ترین نوه‌اش بودم، همواره سفارش می‌کرد که اول به‌حزب خودمان پاری برسان و سپس به‌خاتونه. بنده نیز تا عمر دارم این وصیت گرانقیمت را انجام داده و پیوسته، قبل از مرگ خودم نیز، این سفارش را به‌اطرافیان و فرزندان و دوستان خواهم کرد. امروز کمک‌هزینه گرفتم و خواستم این کمک ناچیز را به‌حزب مردم تقدیم دارم. داستان را به‌گرمی می‌فشارم و سعی خواهم کرد تا آخرین نفس باز و هم‌رمز خلق و حزب باشم و از هر خدمتی دریغ نوزم. پیروز باشید.»

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!
حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی‌سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به‌تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به‌حزب توده ایران یک‌وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به‌پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران پاری خواهند رساند.
کمک مالی را می‌توان مستقیماً به‌دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۴۵۷۲۸، ۹۴۳۴۵۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به‌حساب بانکی زیرین بپردازند:
شماره حساب بانکی: ۳۳۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).

ایران دوباره پایگاه ضد شوروی نخواهد شد

ایران ناوابسته، دوست شوروی خواهد بود

شوروی بیاناتی ایراد کرد که درموقع انقلاب موجب پشتیبانی و خرسندی ما گردید. ایران ناوابسته، اما دوست شوروی خواهد بود.
اظهارات پرفسور محمد مکر، که یکی از نزدیک‌ترین مشاوران حضرت آیت‌الله امام خمینی است، بیانگر سیاست دوستی نسبت به‌همسایه بزرگ شمالی ماست. دوستی و گسترش دوستی و همکاری با اتحاد جماهیر شوروی در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و غیره به‌سود مصالح کشور ما است، اتحاد جماهیر شوروی دوست بزرگ‌مردم ایران است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اعتقاد کامل به‌سیاست اصولی و بی‌گیر اتحاد شوروی به پشتیبانی از تمام ملل ستمدیده، از کلیه مستضعفین جهان، به‌ویژه همسایگان، دست دوستی با اتحاد شوروی رابه گرمی بشارد و از همه مزایای این دوستی بهره‌گیرد.

پرفسور محمد مکر، نخستین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی طی یک کنفرانس مطبوعاتی از جمله درباره مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اتحاد جماهیر شوروی تصریح کرد که ما به‌هیچوجه اجازه نخواهیم داد کشور ایران مرکز یا پایگاه جاسوسی و نظامی ضد شوروی باشد. ما در پیمان‌های نظامی که علیه شوروی هدایت شده باشد، شرکت نخواهیم کرد.
درباره قسددولت جمهوری اسلامی ایران به‌پیوستن به‌جنگ کشورهای غیر متعهد، محمد مکر اظهار داشت: «شاه خود را قهرمان مبارزه با کمونیسم می‌دانست، ولی ما می‌خواهیم بی‌طرف و ناوابسته باشیم.»
پرفسور مکر افزود: «اتحاد شوروی نسبت به آرمان ما در اثبات انقلابیان همدلی نشان داده است. آقای برژنف، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد

«مردم» و شما

خوانندگان مردم می‌پرسند:

هنوز بیش از چند شماره‌ای از «مردم» انتشار نیافته، که مردمی که آن را متعلق به خود می‌دانند، به آدرس ما نامه‌های متعددی می‌فرستند، نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادهای خود را می‌نویسند، پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و گاه مقالاتی و اشعاری ارسال می‌دارند.

«مردم» مال شماست و بدیهی است که پس از این نخستین شماره‌های دوره جدیدش، ستون‌های نوین متعلق به خوانندگان را باز کند. از این پس در ستون «خوانندگان مردم می‌نویسند»، ما نوشته‌ها و نظریات شما را منعکس می‌کنیم و در ستون «پرسش‌ها و پاسخ‌ها» به سؤالات شما به‌طور خلاصه پاسخ می‌دهیم. درخواست ما این است که:

۱- مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسید.

۲- نوشته‌ها بر روی یک طرف کاغذ باشد.

۳- اگر میل ندارید نام شما در روزنامه قید شود حتما در نامه متذکر شوید.

۴- اخباری را که می‌فرستید، جدا از مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در ستون‌های جداگانه منعکس خواهد شد.

۵- به هیئت تحریریه اجازه دهید که حق کوتاه کردن مطالب وارده و یا انتخاب اشعار واصله و غیره را داشته باشد.

۶- علاوه بر ارسال نامه به‌وسیله پست اگر میل دارید می‌توانید مستقیماً نامه‌های خود را به دفتر روزنامه در تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ در صندوق ویژه کسار در ورودی بیاورید.

خوانندگان مردم می‌نویسند:

تصحیح اشتباهات چاپی

دوست گرامی م. ناصری، که با دقت بسیار شماره ۶ مورخ ۲۹ فروردین ۵۸ «مردم» را مطالعه کرده است، در صفحه ۶ سه اشتباه لغوی مشاهده نموده و تذکر داده است. بدین ترتیب: سطر ۲۱ تصحیقات به‌جای تضعیقات، سطر ۲۷ متعرض به‌جای معترض و سطر ۴۳ انفال به‌جای انفال. تذکرات درست خواننده نمونه‌ای است از اغلاط چاپی، که همچنان در روزنامه ما هست و امیدواریم با دقت بیشتر در غلط‌گیری، از شماره آن‌ها هرچه بیشتر بکاهیم با تشکر.

آنچه که باید همیشه مد نظر باشد

یک خواننده دیگر ما (الف - ر) پیشنهاد کرده است که این جمله دائماً در روزنامه نوشته شود که: «برای باسرف بودن عمری لازم است و برای بی‌سرف شدن لحظه‌ای».

درستی این جمله و یا به‌نوشته‌خواننده ما «آرم» را، ده‌ها و صدها توده‌ای مبارز و سایر میهن‌پرستان و انقلابیون صدیق، به‌قیمت خون خود و سالیهای دراز تحمل شرایط دشوار زندان ثابت کرده‌اند و سراسر عمر پربار و آموزنده خویش را در خدمت شرف انسانی، آزادی و استقلال قرار دادند. آن خائنین و منافقینی که روی از خلق برتافتند، در واقع نیز در لحظه‌ای شرافت انسانی خود را برباد دادند. پس حق با خواننده ماست که مضمون این جمله و رهنمود اخلاقی انقلابیون صادق همواره باید در مد نظر هر مبارز صدیق و پی‌گیری قرار داشته

رویدادهای ایران

سنجیده سخن بگوئیم

اظهارنظر در باره انگیزه‌های ترور ناجوانمردانه استاد مطهری، در طول هفته‌ای که گذشت، از سوی گروه‌ها و سازمان‌ها و شخصیت‌های مختلف ادامه یافت. به‌دنبال سخنرانی حیرت‌انگیز آقای رفسنجانی در شهر قم، درباره این ترور و اشاره‌های مستقیم و غیر مستقیم، اما در هر دو صورت بی‌مدرک و دلیل ایشان، به‌برخی گروه‌های چپ، آقای نخست‌وزیر نیز، شش روز بعد از ترور، پیامی از طریق رادیو فرستاد که بی‌شبهات به سخنرانی آقای رفسنجانی در قم نبود.

ایشان در پیامشان گفت: «آیت‌الله مطهری... به تلافی مبارزات صادقانه چندین ساله علیه مارکسیسم یا گلوله ضداسلام و ضدانقلاب شهید شدند».

این اظهارات در شرایطی بر زبان آمد که امام خمینی صریحاً امریکا و انگلیس و عمال رژیم سابق را مسئول اصلی این توطئه‌ها می‌داند و محافل و شخصیت‌های نزدیک به رهبری انقلاب و دولت صریحاً اعلام داشتند که، هرنوع تهمت‌زدن به نفع انقلاب نیست.

آقای بنی‌صدر، در سخنرانی خود در دانشگاه تهران، با صدای بلند اعلام داشت که «بازار شایعه‌پراکنی و تحریک این‌روزها خیلی رایج است و همه جا و همه جا که می‌روی صحبت بر سر این است که کمونیست‌کشی شروع شده و می‌خواهند کمونیست‌ها را نابود کنند. این شایعه هرگز درست نیست و هیچگاه چنین حرف‌هایی از سوی اکثریت مسلمان جامعه زده نمی‌شود. وقتی جای بحث و گفت و گوی رو در رو وجود دارد و می‌شود به‌راحتی صحبت کرد، چرا باید از طریق دیگری وارد شد. درباره ترور سرلشکر قرنی و آیت‌الله مطهری، به‌عقیده من مارکسیست‌های واقعی در این ترورها دخالت نداشته‌اند. این‌گونه اعمال و به‌طورکلی وقوع چنین حوادثی بدون شک از سوی صهیونیست‌ها و ساواکی‌ها و آن‌هایی که هنوز تصور می‌کنند امکان بازگشت شاه و رژیم شاهنشاهی وجود دارد، صورت می‌گیرد».

در همین زمینه، سازمان سیاسی نهضت آزادی ایران، که آقای مهندس بازرگان خود از پایه‌گذاران آن بود، و بسیاری از شخصیت‌های ملی و وطن‌پرست ایران در آن عضویت دارند و دارای سوابق درخشانی در امر مبارزه علیه رژیم شاه - ساواک‌اند، اعلام داشت که «در شرایطی که قریب‌ها و دلالت آشکاری در مورد ارتکاب این عمل از سوی گروهی منحرف و مرتجع به‌نام فرقان موجود است، به‌گروه‌های دیگر حمله کردن، منحرف ساختن افکار از جریان صحیح، یعنی مبارزه قاطع و هوشیارانه با امپریالیسم و عوامل ضدانقلاب و ارتجاع به‌شمار می‌رود. اگر در هر حادثه‌ای به‌جای نشان دادن راه حقیقت‌جو و کنجکاوی، تفری کینه‌توزانه نسبت به‌افرادی که در آن حادثه خاص نقش اصلی را نداشته‌اند، القا کنیم به‌انقلاب طمعه زده‌ایم و دین خود را نسبت به مردمی که به‌ما اطمینان و انتظار روشن‌گری دارند، ادا نکرده‌ایم».

و باز در رابطه با ترور استاد مطهری، وقتی انگیزه اصلی این ترور از استاد شریعتی، پدر مبارز بزرگ علی شریعتی، در تلویزیون ایران پرسیده شد، وی به‌درستی گفت: «به‌نظر من آن‌ها می‌خواستند مستقیماً به‌امام ضربه بزنند. از این ضربه دو منظور داشتند، یکی آزرده کردن و ضربه روحی زدن به امام بود و هدف دوم از بین بردن کسی که نظرات امام را اعمال می‌کرد و امام را در جریان تمام امور می‌گذاشت. این را همه نزدیکان به‌امام می‌دانستند که استاد مطهری مورداعتماد صددرصد امام است و هیچ‌چیز پنهان از یکدیگر ندارند».

آقای موسی خیابانی یکی از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران، روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ ضمن سخنرانی خود در مراسم یادبود شهیدان مجیدشرف‌وآقایی، عضو کادر مرکزی این سازمان ضرورت تشدید مبارزه علیه دشمنان اصلی انقلاب و مبارزه قاطع علیه ترورهای ضدانقلابی را خاطر نشان ساخت و گفت: «همین حرکت جنون‌آمیز و مشکوک ترور استاد مطهری را در نظر بگیریم که با هیچ منطقی درست نبود. چه کسانی از این ماجرا سود می‌برند؟ این به‌معنای خدمت به دشمن اصلی است و نیز کوشش‌هایی را در نظر بگیریم از طرف بعضی‌ها تا باز به‌نحو دیگری مردم دشمن اصلی را فراموش کنند، در حالی که بارها حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی بر امپریالیسم امریکا به‌عنوان دشمن اصلی تأکید نموده‌اند. اسباب تأسف است که می‌بینیم کوشش‌هایی می‌شود تا نیروی مردم در جهت دیگری سوق داده شود و عواطف آن‌ها در جهت دیگر سوق داده و به‌عصیبت دامن زده شود و جنگ صلیبی به‌راه بیافتد. در حالی که دشمن اصلی بزرگی داریم که درکین است تا... از هر انحراف سوء استفاده کند».

تلگرام تسلیت دانشجویان عضو حزب توده ایران مقیم آلمان غربی به امام خمینی

دانشجویان عضو حزب توده ایران مقیم آلمان غربی، به‌مناسبت شهادت آیت‌الله مطهری، تلگرام تسلیت زیرین را به امام خمینی مخابره کرده‌اند: «ما دانشجویان عضو حزب توده ایران مقیم آلمان غربی، واقعه غم‌انگیز ترور خاتمانه شهید مجاهد و فدائار آیت‌الله مرتضی مطهری را شدیداً محکوم کرده، ضایعه وارده را به‌آن رهبر عالی‌قدر انقلاب ایران، بازماندگان آن مجاهد و عموم مبارزان راه استقلال و آزادی تسلیت گفته، از آن رهبر بزرگ طلب می‌کنیم برای جلوگیری از تکرار این اعمال جنایت‌کارانه، عاملان این جنایت را به‌شدت مجازات کرده، ریشه‌های توطئه‌ای را که دست‌های جنایت‌کاران صهیونیست، امپریالیست و بقایای رژیم فاسد سلطنتی در آن نمایان است، قطع کند».

رهنمودی که باید آویزه گوش‌ها شود

امام خمینی در این هفته با نمایندگان حزب آزادی‌بخش اسلام در کشورهای عرب ملاقات کرد و ضمن بیانایی به دو مسئله بسیار مهم داخلی و خارجی اشاره کرد که می‌بایست با گوش و یوست و استخوان آن را درک و هضم و با هوشیاری در برابر آن‌ها از دستاوردهای انقلاب دفاع کرد. امام طی سخنان خود گفت امریکا و انگلیس قوای خود را برای ایجاد اختلاف در ایران بسیج کرده‌اند.

ما نیز معتقدیم که باید ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها - از جمله برخوردهای مصلحانه در مناطق گوناگون ایران و برانگیخته شدن احساسات ناشی از اختلافات ایدئولوژیک را در همین رهنمود امام جست و جو کرد.

امام خمینی در قسمتی دیگر از سخنان خود، به‌حق گفت: اسرائیل اگر قدرت پیدا کند به بیت‌المقدس اکتفا نخواهد کرد. این کلام باید آویزه گوش آن‌دسته از دولت‌های منطقه خاورمیانه شود که تصور می‌کنند به‌دلیل دوری از مرز اسرائیل و یا برکنار بودن از فوج حوادث خونین و تجاوزکارانه ۲۵ سال اخیر منطقه خاورمیانه، از گزند دشمن مشترک اعراب در امان خواهند بود. آن‌ها تصور می‌کنند که اگر سرخود را خم کنند، موج از روی سرشان عبور خواهد کرد و از خطر خواهند جست. در حالی که تمام تجربیات تاریخی نشاندهنده این حقیقت تلخ است که دولت‌های متجاوز تنها به هدف خویش، که تجاوز و غارت است، می‌اندیشند و هیچ دولتی را به‌رسمیت نمی‌شناسند، تنها کافی است آلمان‌هیتلری را به‌خاطر آوریم.

هشدار آذربایجان

از تعدادی از شهرهای ایران، از جمله تبریز، گزارش‌هایی مبنی بر حمله افرادی مشکوک به کتابخانه‌های شهر در روزنامه‌ها چاپ شده و در این زمینه گزارش‌هایی به ما نیز رسیده است. بدون تردید عوامل ضدانقلاب در این حادثه آفرینی‌ها دست دارند و نمونه آن، حمله آن‌ها به‌دفتر فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در تبریز است.

استاندار آذربایجان برای پایان دادن به این‌گونه عملیات ضدانقلابی، در این هفته، طی اعلامیه‌ای این‌گونه عملیات را محکوم کرد و پس از آن‌که آن‌را به‌عمل‌ضدانقلابی خواند، قاطعانه اعلام داشت که اگر افراد اقدام به‌چنین اعمالی بکنند، تحت تعقیب قرار گرفته محاکمه خواهند شد.

سیستم بانکداری ایران غارتگرانه است

اجتماع بدهکاران وام مسکن و دعوت از بدهکاران وام مسکن، که فقط یک خانه دارند، برای بررسی نحوه پرداخت وام از سوی خود بدهکاران، که این هفته اخبار مربوط به آن در جراید چاپ شد، جدا از هرگونه پیشداوری درباره فرصت‌طلبی برخی فرصت‌طلبان از فرصت بدست‌آمده، برای چندمین بار این حقیقت را در جامعه منعکس می‌کند که مردم به سیستم بانکداری ایران، که در سال‌های گذشته نقش غارت مردم را داشته‌اند و به‌روسیله و حیل و فشار جیب مردم را به‌نفع سرمایه‌داران خالی کرده‌اند، مورد اعتراض مردم است. بسیاری از بحران‌های موجود در جامعه، که مسکن یکی از آن‌ها است، ریشه در سیستم غارت‌گرانه بانکداری در ایران دارد؛ به‌همین دلیل اگر قصد دولت دگرگونی جامعه به نفع توده‌ها باشد، می‌بایست از جمله کار را از بانکداری و ملی کردن بانک‌ها شروع کند.

مدارس به‌صورت طبقاتی ادامه خواهد یافت؟

در این هفته وزیر آموزش و پرورش اشاره‌ای گنگ و گذرا به‌مسئله دوگانه‌گی مدارس ایران و یا در حقیقت طبقاتی بودن مدارس ایران کرد. منظور مدارس ملی و دولتی است، که تاریخچه‌ای دردناک برای تمام زحمتکشان ایران دربردارد و یادآور غارتی است که در تمام سال‌های گذشته از دسترنج زحمتکشان می‌شد، تا به‌خدمت‌توانگران و سرمایه‌داران غارت‌گر ایران گرفته شود. این سیستم ناشی از بی‌توجهی رژیم به‌آموزش و پرورش و فرهنگ توده‌های میلیونی مردم بود و جمع شدن تمام امکانات در چند مدرسه بزرگ و مجهز برای آن‌ها، که پولشان از پارو بالا می‌رفت و بر سر ملت و دولت منت می‌گذاشتند که فرزندانشان را در مدارس ایران ثبت‌نام کرده‌اند و به فرنگ نبرده‌اند.

وزیر آموزش و پرورش به‌سادگی و به‌سرعت از کنار این مساله عبور کرد، درحالی که این مسئله یکی از مسائل مورد نظر مردم است. مردم می‌خواهند بدانند دولت به‌تبعیض‌ها و نارسایی‌های آموزش و پرورش چگونه و طبق چه برنامه‌ای خاتمه می‌دهد و آیا تبعیض بین مدارس جنوب و شمال شهر و محله فقیرنشین و اعیان‌نشین باز هم ادامه خواهد یافت؟

اعتیاد را از بین ببرید

اخباری که در جراید منتشر می‌شود و گزارش‌هایی که به‌دست ما رسیده همگی حکایت از ادامه اعتیاد و زواج مواد مخدر، بخصوص در شهرها دارد. به‌این بلائی دامن‌گیر اجتماع، که میراث استعمار و استبداد است، هرچه زودتر و با برنامه‌ای دقیق و حساب شده می‌بایست خاتمه داده شود. در این زمینه تاکنون خبری که منتشر شده این است که، مواد مخدر غیر قابل مصرف پزشکی معلوم می‌شود.

به‌وضع نابسامان ترافیک تهران باید پایان داد

سختگوی دولت در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خویش، اشاره به‌طرح حل موقت ترافیک تهران کرد و این که یادگان‌های شهر تبدیل به پارکینگ خواهد شد و در محدوده شهر اتومبیل‌های شخصی اجازه حرکت برای ساعاتی از روز را نخواهند داشت. این طرح، با اعلام مجدد این که یادگان‌ها به پارکینگ تبدیل نخواهند شد، ممکن است به‌توقیف افتد و یا منتفی شود و ترافیک به‌شکل مسخره و حیرت‌انگیز کنونی، حداقل برای مدتی دیگر، ادامه یابد.

ما معتقدیم که هرچه سریع‌تر می‌بایست به‌وضع نابسامان ترافیک شهر پایان داده شود و طرح اعلام شده از سوی سختگوی دولت می‌تواند حداقل راه حل موقت باشد. درکنار این طرح می‌توان از تمام امکانات حمل و نقل عمومی استفاده کرد و در این زمینه می‌توان پس از پایان سرویس یادگان‌های ارتشی، اتوبوس‌های ارتش را درکنار اتوبوس‌های شرکت واحد به‌خدمت مردم گرفت. برای اجرای همین طرح، مذاکرات برای خرید هرچه بیشتر اتوبوس از کشورهای دیگر و ساختن آن‌ها در ایران، هرچه زودتر باید آغاز شود. ضمناً درکنار این طرح موقت، می‌بایست هرچه سریع‌تر با کشورهای دیگر برای احداث مترو در تهران و دیگر شهرهای بزرگ اقدام شود. در این زمینه دو کشور فرانسه و شوروی طرح‌هایی دارند، که می‌توان آن‌ها را مورد بررسی قرار داد و برای اجرای هر کدام که ارزان‌تر و سریع‌تر و مطمئن‌تر قابل پیاده شدن است، قرارداد لازم را بست.

چرا «آیندگان» تحریف می‌کنند؟

دریا سالار احمد مدنی، فرمانده نیروی دریایی ایران و استاندار خوزستان، ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی، از جمله به‌یک سؤال تحریک‌آمیز پاسخ صریح و غیرقابل‌تفسیر داده است. از وی پرسیده‌اند: آیا ایران به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، که موردتهدید نفوذ کمونیست‌ها هستند (!!) کمک خواهد کرد؟

دریا سالار مدنی چنین پاسخ داده است: «... ما هرگز به‌مانند شاه مخلوع درخوابانیدن شورش‌هایی از قبیل شورش ظفار دخالت نمی‌کنیم، ولی اگر مردم استعمارزده‌ای از ما کمک بخواهند که سال‌ها زیر تازیانه استعمار بوده‌اند، مسلمانه وظیفه خود می‌دانیم که در حدود مقررات به‌آن‌ها کمک کنیم».

پاسخ، صریحاً ضدامپریالیستی، ضداستعماری و در همبستگی با جنبش آزادی‌بخش خلق‌هایی است که سال‌ها زیر تازیانه استعمار بوده‌اند و از دریا سالار مدنی جز این انتظاری نمی‌رود.

ولی «آیندگان»، با حروف بسیار درشت و به‌عنوان مصاحبه، از قول دریا سالار مدنی جمله‌ای جعل کرده و نوشته است: «در برابر تهدید کمونیست‌ها به‌مرحوم شیخ‌نشین‌ها کمک می‌کنم!»

«آیندگان» سپس پائین‌تر، به نقل از گزارش آسوشیتدپرس (چرا آسوشیتدپرس؟) تکرار می‌کند که مدتی گفته است: «ایران در برابر تهدید نفوذ کمونیست‌ها در شیخ‌نشین‌ها به‌مرحوم این مناطق، درصورت کمک‌طلبیدن آن‌ها، کمک خواهد کرد.» و باز پائین‌تر «آیندگان» گفته دریا سالار مدنی را «اصلاح» می‌کند و آن‌را چنین نقل می‌نماید: «وی پاسخ داد ما کوشش خواهیم کرد که در امور سایر کشورها مداخله نکنیم، اما اگر مردمی که نمی‌توانند از خود دفاع کنند، از ما طلب کمک کنند، این وظیفه ما است که به‌آن‌ها کمک کنیم».

این سه جمله که باید یکی باشد، با یکدیگر انطباق ندارند، زیرا دروغ از دو پا می‌لنگد.

«آیندگان» نه‌فقط مضمون سخنان دریا سالار مدنی را تحریف کرده، بلکه با نسبت دادن مضمون ضدکمونیستی به‌سخنان ایشان و بزرگ کردن آن، به‌یک تحریک آشکار دست یازیده است. چرا؟ آیا «آیندگان» می‌تواند پاسخ این چرا را بدهد؟ و «آیندگان» درباره تکذیب دریا سالار مدنی چه می‌گوید؟

تثبیت مذبوحانه بقایای ساواک

هیچ وجه‌تشابهی با سیاست حزب ما ندارد، درج شده و البته نفاق‌افکنانه کوشش شده است با طرح مطالب‌بکلی جعلی بین توده‌ای‌ها و روحانیون جدائی‌افکنند و دشمنی ایجاد کنند. از فرصت دریافت نامه این دوست بقیه در صفحه ۴

باشد، صرف‌نظر از آن‌که هر روز آن را در روزنامه بخواند یانه. ولی شعار صدر روزنامه قاعدتا یا یک شعارسیاسی استراتژیک است، نظیر «رنجبران جهان متحد شوید» و یا «مردم ایران متحد شوید و علیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید»، که مدت‌های مدید، همواره تکرار می‌شود، و یا یک شعار سیاسی مبرم روز است، مثلاً به‌موقع خود درباره سرنگونی رژیم شاه یا لزوم ایجاد جبهه متحد خلق و نظایر این‌ها که در مدت زمان کوتاه‌تری وظایف عمده روز را برجسته می‌کند.

اعتصاب کارکنان شرکت ایران ترمینال

در حدود ۱۸۰۰ کارگر و کارمند شرکت «ایران ترمینال» در خرمشهر، به عنوان اعتراض به وضع نامطلوب استخدامی خود دست به اعتصاب زدند. به این اعتصاب هزاران دستگاه کامیون و تریلر در انتظار بارگیری متوقف ماندند و کار تخلیه و بارگیری در انبارها و محوطه بندر خرمشهر دچار رکود شد. کارکنان اعتصابی شرکت «ایران ترمینال» خواستار رسمی شدن خود و ادغام این شرکت در سازمان بندر و کشتیرانی بندر خرمشهر هستند. یکی از کارگران اعتصابی به خبرنگار «مردم» گفت: دو ماه پیش مدیر عامل جدید سازمان بندر به ما قول داد که کلیه کارکنان شرکت مشمول مقررات سازمان بندر و کشتیرانی شوند. به این ترتیب ما رسمی می شدیم و موقیعت نااستوار شغلی مان سرسامانی می گرفت. اینک ده روز پیشتر به پایان مدت قرارداد شرکت با سازمان بندر باقی نمانده است، در حالیکه قول و تمهیدی که ما داده شده، همچنان پا در هواست.

کارگر اعتصابی افزود: «ما دست به اعتصاب زدیم، برای این که جهت دست یافتن به خواست های حقه خود راه دیگری نداشتیم. کارگران و کارمندان احساس می کنند آن ها را به بازی گرفته اند.» کارگر اعتصابی تاکید کرد که اعتصاب تا رسیدن به نتیجه به طور یکپارچه ادامه خواهد یافت.

تاریخ انتخابات هیات مدیره سندیکای کارگران نقاش

هیئت موسس سندیکای کارگران نقاش روز ۲۷ اردیبهشت ماه جاری را به عنوان تاریخ برگزاری انتخابات هیئت مدیره این صنف اعلام کرد. کارگران نقاش پیروز برای معرفی کاندیداهای خود و بحث و بررسی در پیرامون انتخابات سندیکائی در خانه کارگر اجتماع کردند. قرار است انتخابات هیات مدیره سندیکای کارگران نقاش با حضور نماینده وزارت کار و امور اجتماعی انجام گیرد.

دعوت از کارگران داروخانه برای تشکیل سندیکای واقعی

جمعی از کارگران داروخانه ها (نسخه پیچ - کمک نسخه پیچ - کارگران مامور بازار پخش دارو و کارگران ساده داروخانه) از کارگران داروخانه ها دعوت کرده اند «برای تشکیل سندیکای واقعی مردم جمع شوند».

این کارگران در دعوت نامه ای که برای این اجتماع منتشر کرده اند، نوشته اند:

«اکنون که به همت قیام توده های محروم جامعه، رژیم مفسورپهلوی سرنگون شده و شرایطی به وجود آمده است که همه کارگران می توانند متحد شده از حقوق خود دفاع کنند، ما جمعی از کارگران داروخانه ها تصمیم گرفتیم برای به دست آوردن حقوق اولیه خود سندیکای واقعی مان را با پشتیبانی همه کارگران داروخانه ها تشکیل دهیم».

دوستان کارگر، همه ما می دانیم که سندیکای موجود (سندیکای کارکنان داروخانه های تهران و حومه) در حقیقت سندیکای کارفرمایان است که به نام ما درست شده است و در آن نمایندگان واقعی ما جایی ندارند.

ما کارگران داروخانه ها از ابتدائی ترین حقوق پذیرفته شده در سراسر جهان محروم هستیم و حتی قانون ۸ ساعت کار هم در مورد ما اجرا نمی شود. ما هیچگونه مزایا، اضافه کاری، حق استفاده از تعطیلات (حتی جمعه ها) بیمه، بازنشستگی و غیره را نداریم و باز می دانیم که سندیکای موجود کوچک ترین تلاشی در این زمینه انجام نداده است. آنها فقط بلند حقوق ناچیز ما را در ازای رشوه به کارفرمایان بفروشد. پس برای کسب حقوق اولیه خود متحداً در راه ایجاد سندیکای واقعی بکوشیم. با پشتیبانی و حمایت پی گیری شما دوستان کارگر هر چه زودتر برای تشکیل سندیکای خود گرد هم آییم».

مجمع عمومی بیمارستان تهران

مجمع عمومی کارگران و کارمندان بیمارستان تهران هفته گذشته برای انتخاب نماینده کارکنان این بیمارستان تشکیل شد. این نماینده می بایست در راه پاسداری و تامین حقوق صنفی انتخاب کنندگان خود فعالیت کند. مجمع عمومی «حسین سیمی» را برای این منظور انتخاب کرد.

۵ خواست کارگران بیکار سندسج

کارگران بیکار سندسج با انتشار بیانیه ای خواستار رسیدگی فوری به مسائل و مشکلات خود شدند. این کارگران که به اتحادیه کارگران سندسج وابسته اند، رونوشت بیانیه خود را برای نخست وزیر و وزارت

کار و امور اجتماعی و استانداری کردستان فرستادند. کارگران بیکار با اعتراض به بی توجهی که نسبت به آن ها معمول می شود، خواست های خود را در ۵ مورد تصریح کرده اند:

۱. ایجاد کار و رفع مشکل بیکاری آن ها ۲. پرداخت وام بیکاری به آنان و کلیه کارگران بیکار ۳. پرداخت حقوق به توقیف افتاده کارگران شرکت های ساختمانی، که بسیاری از آنان از این جمله اند ۴. ایجاد فروشگاه های تعاونی ویژه کارگران ۵. بازنشسته کردن کارگران ساختمانی و کارگران دیگر رشته ها، که به علت پیری قادر به ادامه کار و فعالیت نیستند.

خواست های کارگران شرق تهران در دیدار با وزیر کار اعلام شد

کارگران شرق تهران، عصر روز شنبه ۱۸ اردیبهشت، در دیداری با وزیر کار خواست های خود را عنوان کردند. این دیدار با شرکت گروه زیادی از کارگران در باشگاه شهرداری انجام شد و در آن کارگران خواستار جلوگیری از تعطیل کارخانه ها و اخراج بدون دلیل کارگران شدند. آنها همچنین خواستار لغو ماده ۳۳ قانون کار بودند. تامین زندگی کارگران بازنشسته، ایجاد استراحتگاه مجهز در مناطق کارگری، شرکت دادن نماینده کارگران منطقه در شورای عالی کار برای تدوین قانون جدید کار، پرداخت دستمزدها، سود ویژه، حق خواربار و مسکن و اولاد، جلوگیری از دخالت افرادی که مسئول نیستند در مسائل کارگری، دادن وام بدون بهره به کارگران، جلوگیری از کار کارگران خردسال، تامین کردن زندگی کارگرانی که بازنشسته شده اند و بازنشسته کردن کارگران در ۵۰ سالگی و همچنین کاهش ساعات کار و اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل از جمله خواست های



اخبار کارگری

کارگران بود. آقای داریوش فروهر، وزیر کار، در این جلسه گفت: کمیته مخصوصی در وزارت کار مامور بررسی مطالبات عقب افتاده کارگران شده است. این مطالبات در صورت اثبات صحت آن پرداخت می شود.

آقای وزیر کار در مورد تعیین دستمزد واقعی کارگران گفت: تعیین دستمزد واقعی کارگران نیاز به رسیدگی دقیق دارد و باید در رابطه با مسائل اقتصادی کشور سنجیده شود. وزارت کار این بررسی را آغاز کرده است. در شورای عالی کار این موضوع مطرح خواهد شد و حداقل دستمزد کارگران به نسبت هزینه زندگی تعیین می شود. آقای فروهر اعلام کرد: هر وقت حداقل حقوق کارگران تعیین شود، از اول فروردین ماه اعمال قابل پرداخت خواهد بود.

آقای فروهر در این جلسه ضمن اعلام این مطلب که تا زمانی که یک کارگر بیکار داریم، نباید دست روی دست بگذاریم، کسانی را که کارگران را از کار باز می دارند، ضد انقلابی خواند و از کارگران خواست عوامل اخلاک را از جمع خود طرد کنند.

تحصن و اعتصاب غذای کارگران شرکت متوساک

شرکت متوساک، شرکت تولیدکننده شن و ماسه است، که ۶۰ درصد سهام آن به کارخانه قند کرمانشاه تعلق دارد و طبق اسناد موجود شرکت، ۶۰ درصد سهام قند کرمانشاه نیز متعلق به بنیاد پهلوی سابق بوده است. شرکت از مردادماه سال گذشته تولید خود را آغاز کرده است. براساس اظهارات کارگران، حد اکثر کارگر مورد نیاز برای این شرکت در دو شیفت کار ۱۲ ساعت ۳۵ نفر است، ولی کارفرما در طول مدت ۸ ماه

که از آغاز کار شرکت می گذرد، بیش از ۲۵۰ کارگر استخدام و پس از مدتی اخراج کرده است. منظور از این اقدام پائین نگه داشتن سطح دستمزدها و خودداری از بیمه کردن کارگران بوده است. در تاریخ ۱۵ فروردین گذشته کارفرما (آقای منتظری) به روال همیشگی به اخراج جمعی کارگران (که تعدادشان ۱۲ نفر است) مبادرت ورزید. اما این بار با مقاومت کارگران روبرو شد و کارگران از روز ۱۶ فروردین، در محل دفتر شرکت، واقع در خیابان برزیل، متحصن شدند و خواست های خود را اعلام داشتند. بازگشت کارگران اخراجی به سرکار، جلوگیری از اخراج بی دلیل کارگران در آینده، پرداخت کلیه حقوق و مزایای معوقه، بیمه کردن فوری کارگران، تعیین ۸ ساعت کار روزانه، تامین یک وعده غذای گرم، سرویس رفت و آمد و وسایل ایمنی محیط کار، استفاده از تعطیلات رسمی و یکماه مرخصی سالانه و بالاخره اجازه تأسیس سندیکای مستقل و واقعی کارگران، از جمله خواست های حقه کارگران متحصن بود.

اما به دلیل نفوذ کارفرما در وزارت کار، مراجعات مکرر کارگران به این وزارتخانه بی نتیجه ماند. سرانجام کارگران پس از ۲۰ روز تحصن دست به اعتصاب غذا زدند و به وزارت کار اطلاع دادند که آماده اند اداره و کنترل شرکت را خود به دست گیرند. در جریان تحصن و اعتصاب غذا، نمایندگان سایر کارگران متحصن از جمله کارگران شرکت پارک پرنس، زمین، آتسفر، شرکت ملی ساختمان و ... با آن ها اعلام همبستگی نمودند. سرانجام کارگران پس از ۲۰ روز تحصن و ۴ روز اعتصاب غذا، از تاریخ ۹ اردیبهشت ماه از آنجا که دیدند کسی به آنها و خواست هایشان توجهی ندارد، به محل کارگاه شرکت واقع در ۶ کیلومتری جنوب اتوبان کرج رفتند و امور کارگاه را مستقیماً بدست گرفتند و پس از تعمیر دستگاهها خود را تولید را آغاز کردند.

اعتصاب کارگران شرکت آتسفر

این شرکت به کار مقاطعه کاری لوله کشی ساختمان اشتغال دارد و دفتر آن در خیابان مصلح، بالاتر از ونک، واقع است. این شرکت، با شرکت خانه سازی اکباتان، قراردادی دارد که در ازای ۲۲۵ میلیون تومان، طرح لوله کشی شهرک اکباتان را انجام دهد. ۱۵۰ کارگر فنی در این شرکت کار می کنند. کارفرما از ۶ ماه و نیم پیش به سبب کسرش مبارزات انقلابی مردم، کار را تعطیل کرده بود. پس از انقلاب، کارگران که به سر کار خود بازگشتند، خواستار پرداخت حقوق ۶ ماهه معوقه خود شدند، اما تاکنون کارفرما از پرداخت این حقوق امتناع کرده است. کارگران بارها به وزارت کار شکایت کرده اند، اما نتیجه ای نگرفته اند. حتی یک بار وزارت کار جدول حقوقی ۶ ماهه آن ها را تنظیم کرد، اما پس از توافق با کارفرما آن را پاره کرد و اعلام داشت که کارفرما ناخوش است ۷۵ روز حقوق به شما بپردازد، که کارگران نپذیرفتند. یکی از کارگران می گفت: کارفرما طبق حساب بانکی اش در همین چندماهه ۲۲ میلیون تومان درآمد داشته، اما حاضر نیست ۲ میلیون از آن را صرف پرداخت حقوق ما کند.

کارگران اعلام کرده اند تا زمانی که کارفرما حقوق معوقه آنان را نپردازد، به سر کار باز نخواهند گشت.

اخراج کارگران کارخانه گونی بافی قائم شهر (شاهی)

چندی پیش ۱۶ نفر از کارگران را اخراج کردند. بعداً این کارگران را دوباره به کارخانه پذیرفتند، ولی طی مدت ۴۳ روز آن ها را مانند زندانی در ناخارخوری نگه داشتند و از رفتن آن ها به قسمتهای کارگاهی جلوگیری کردند. عاملین این اخراج هم گردانندگان سندیکای فرمایشی بودند. روز ۲۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ این کارگران را دوباره اخراج کردند.

این ۱۶ نفر کارگر با بقیه کارگرانی که سالها پیش توسط عمال ساواک اخراج شده بودند و در حدود ۲۰۰ نفر بودند، روز ۲۵ فروردین ماه ۱۳۵۸ جلو در ورودی کارخانه اجتماع و به اخراج خود اعتراض کردند.

کارگری می گفت: من سال ۱۳۱۸، یعنی در دوران رضاشاهی استخدام شدم و در آن زمان یک ریال حقوق می گرفتم. من دائماً به بهانه های مختلف تحت فشار بودم تا سرانجام مرا اخراج کردند. کارگری می گفت: من هم در دوران رضاشاهی در این کارخانه استخدام شدم. در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۲۷ حکومت نظامی مرا دستگیر کرد و به زندان انداخت. من ۱۵ سال در زندان بودم. اخراج مرا در زندان بمن ابلاغ کردند. من سه بچه دارم الان دو ماه است هر روز اینجا می آییم، ولی مرا به کارخانه راه نمی دهند.

جنگ و جامعه انسانی

لنین گفته است: سیاستی که هر کشور در قبال مساله صلح اتخاذ می کند، نمایشگر خود دموکراسی در آن کشور است - به عبارت دیگر می توان گفت که صلح و دموکراسی با یکدیگر پیوند محکمی دارند. امروزه همه کسانی که بی غرضانه درباره اوضاع سیاسی جهان قضاوت می کنند، قبول دارند که میلیتاریزم کردن کشورها، در جهت خلاف و عکس دموکراتیزه کردن آنست. به طوری که می توان گفت پیشرفت صلح در جهان به پیشرفت دموکراسی کمک می کند. قبل از آن که به مساله رابطه صلح و انقلاب در جهان معاصر بپردازیم، کمی درباره اساس و منشأ صلح سخن می گوئیم.

ایدئولوژی های بورژوازی و ژادپرست، بارها کوشیده اند تا نشان دهند که جنگ در نهاد و طبیعت بشر است. آنان به نظریه داروین متوسل شدند و خواستند که اصل تنازع بقا را در مورد جامعه بشری نیز به کار گیرند و جنگ اقویا و مستضعفان را که به نظر آنان همواره به نفع اقویا تمام میشود، طبیعی و غیر قابل اجتناب جلوه دهند. در صورتیکه چنین نیست و حقیقت چیز دیگری است.

اگرچه انسان محصول تکامل طبیعت است، ولی موجود اجتماعی است. این اجتماعی بودن، سرشت آدمی را در مقایسه با موجودات زنده غیر انسانی دگرگون کرده است. جامعه قبل از هر چیز بر پایه تولید نعمت های زندگی قرار دارد. تولید نعمت های زندگی علی الاصول خصلت جمعی دارد. از شکار حیوانات و کارکناروری در جامعه ابتدایی گرفته تا تولید فرآورده های صنعتی در کارخانه های عظیم و غول پیکر امروز. خصلت اجتماعی تولید، استفاده جمعی از آن را ایجاد می کند. اساس اجتماع بشری چنان است که هر فردی کار می کند تا همه از آن برخوردار شوند. و برعکس همه تلاش می نمایند تا هر فرد زندگی کند و از امکانات موجود بهره گیرد. این حقیقت در عبارت معروف «همه برای یکی و یکی برای همه» خلاصه شده. بنابراین سرشت جامعه بشری بر پایه تعاون و همکاری قرار دارد و معنایش این است که زندگی اجتماعی قاعدتاً و ذاتاً صلح آمیز است. نزاحتکنان جامعه، تولید کنندگان نم مادی و معنوی، نزاعی با هم ندارند و علتی هم ندارند، علیه یکدیگر بستیزند.

اما با پیدا شدن طبقات در دل جامعه اولیه، این اصل ذاتی و ماهوی اجتماعی به خند خود تبدیل شد. نمی خواهیم در اینجا به چگونگی پیدایش طبقات بپردازیم. تنها یادآور می شویم که در اثر تحولاتی که در درون جامعه صورت گرفت، جامعه به طبقات متضاد تقسیم شد. اقلیت صاحب امتیاز در برابر اکثریت بی امتیاز قرار گرفت. صاحبان ثروت های کلان و امتیازهای بزرگ اجتماعی دولت را پدید آوردند تا از منافع خود در برابر اکثریت دفاع کنند.

جنگ های اخیر را به یاد بیاورد و اندوه، همچون کوه، بردلش سنگینی نکند؟ در زمان ما بیش از پیش طرد جنگ از زندگی بشر و تامین صلح، در کنار رفاه و دموکراسی، یکی از آرزوهای بزرگ آدمی شده است.

بنابراین جنگ در طبیعت آدمی نیست، بلکه محصول تقسیم جامعه به طبقات است. این سؤال پیش می آید که اگر جنگ نتیجه جامعه طبقاتی است، چرا میان قبایل و اقوامی که هنوز طبقات در آنها شکل نگرفته، جنگ درمی گیرد؟ در پاسخ باید گفت: به علت رشد ناکافی نیروهای مولده، مواد غذایی و سایر وسایل زندگی، در چنین جامعه ای کم و برای تامین مصرف ناکافی است. در چنین حالتی قبیلها به یکدیگر هجوم می برند و یکدیگر را غارت می کنند. از سوی دیگر این وضع انعکاس مرحله ابتدائی تکامل جامعه است که اجتماعی شدن نوع انسان هنوز باندازه کافی پانگرفته و قوام نیافته است. وجهی با خلق و خوی حیوانی، همچون بقایای حالات قبلی در این مرحله تجلی می کرده است. از این موارد که بگذریم، اساس جامعه انسانی از لحاظ خصلت و ماهیت بر پایه تعاون و زندگی صلح آمیز است.

مالتوسی، اقتصاددان کلاسیک سرمایه داری، برای موجه جلوه دادن فقر و بدبختی توده مردم استدلال میکرد: جمعیت دنیا با تصاعد هندسی افزایش می یابد و افزایش مواد غذایی و وسایل زندگی با تصاعد عددی. پس انسان همواره و بیش از پیش با کمبود مواجه و در چنگال فقر و گرسنگی اسیر می شود. پیروان او باین نتیجه رسیدند که این مشکل با جنگ، یعنی کم کردن مصنوعی تعداد افراد بشر، حل می گردد. این استدلال بسیار بی پایه بود. حتی امروزه می توان با امکاناتی که وجود دارد برای بیش از ۷ برابر جمعیت فعلی کره زمین غذا و پوشاک و سایر وسایل تولید کرد.

جنگ افزون سرمایه داری بیهوده می کوشند تا از این تئوری ها بهره گیرند. همه نظریه های علمی علیه این بیبش، که جنگ در طبیعت بشر است، فتوا می دهند و بطلان آن را به ثبوت می رسانند. طبیعت جامعه انسانی صلح را می طلبد و جنگ را طرد می کند. صلح جهانی به رفاه توده مردم، به تامین دموکراسی و به پیروزی انقلابها و نهضت های رهائی بخش یاری می رساند.

از کمک شما سپاسگزاریم

۲۰۰۰۰ تومان	رفیق صابر آزاد
۱۰۰۰۰ تومان	رفیق مشکوه آزاد
۴۱۶۰ تومان	دوست گرامی ناهید نسترن
۱۰۵۵ تومان	دوست گرامی آرمان

تکذیب

«پوستر»ی از آقای محمدعلی مددی، به نام حزب توده ایران چاپ و پخش شده است. باین وسیله اعلام می دارد که نه آقای محمدعلی مددی به حزب توده ایران وابستگی دارد و نه این پوستر به وسیله حزب توده ایران چاپ شده است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

از تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران در محل دانشگاه صنعتی تهران، محوطه بین تالارها، افتتاح شده است. علاقه مندان می توانند تا روز ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، هر روزه از ساعت ۱۵ تا ۱۹، با زندگی و شهادت مبارزان شهید راه آزادی و استقلال ایران آشنا شوند.

همبستگی و وابستگی...

است. از آنجا که حزب توده ایران از ضرورت همبستگی بین‌المللی کارگران جهان، از ضرورت وحدت سه جریان عمده انقلابی جهان معاصر (یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های ملی‌پرستانه جهان سوم) سخن می‌گوید، این اعتقاد علمی و منطقی حزب ما، پایه‌ای برای منطقی و سفسطه‌مویانه و مغرضانه قرار گرفته است و می‌گیرد.

سرمایه در مقیاس جهانی متحد است و متحد عمل می‌کند. وقتی تخت شاهی لرزد، فریاد «همبستگی» از واشنگتن و لندن و بن به آسمان می‌رسد. ولی کار، نیروی مولده جهان، نیروی ثروت‌ساز جهان، وقتی ضرورت اتحاد خود را یادآور می‌شود، به «توطئه‌گری جهانی» متهم می‌شود و سخن از «کمونیسم بین‌المللی» به میان می‌آید. و حال آن که همبستگی کارگران جهان، همبستگی رنج‌ها و آرزوهای، یعنی واقعا همبستگی است و «همبستگی» غارتگران بزرگ و کوچک جهانی نمی‌تواند چیزی جز وابستگی، چیزی جز رابطه آقایی و چاکری باشد.

در واقع شمار سرمایه‌داران چنین است: «من اتحاد جهانی خود را از لحاظ مالی و سیاسی و نظامی و ایده‌ولوژیک با دقت حفظ می‌کنم، ولی شما مولدان ثروت، شما کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی، متفرق بمانید، به‌جان هم بیافئید، تا خواست من برای سروری بر جهان و یتیمای دسترنج شما آسان شود»

درست به همین جهت است که تبلیغات سرمایه‌داری جهان، آتش خود را روی شمار همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان، روی شمار رنجبران جهان متحد شویده، متمرکز می‌کند و با بهانه قرار دادن «ملت و وطن» (همان ملت و وطنی که آنرا با آزمندهی تمام می‌چاپند و با تمام زداقت می‌فرشند)، به‌جان رزمندگان راه رهایی طبقه کارگری می‌افتد.

رابطه ما با اتحاد شوروی، مانند بزرگ‌ترین و پرتواترین کشور سوسیالیستی جهان، دارای دو جهت است: اول از آن جهت که این کشور، براساس سوسیالیسم علمی، جامعه‌ای را از بهره‌کشی بنیادهاده و این جامعه را به‌مرحله عالی‌تری اعتلا می‌دهد، مورد همبستگی ماست. دوم از آن جهت که این کشور همسایه شمالی ماست و در تاریخ روابط خود با ایران، از روز پیدایش (اکتبر ۱۹۱۷)، دست دوستی به سوی مردم ایران دراز کرده و در گفتار و کردار خواستار استقلال و ترقی میهن ما بوده است، مورد احترام ماست و ما دوستی با آن را ضرور می‌شمریم و تبدیل ایران به پایگاه خصومت و جنگ علیه آن را مخالف با منافع مردم ایران می‌دانیم.

اگر این دو نکته درست است، چرا باید حزب توده ایران با شعار سراپا غلط و زیان‌بخش «مرکز پرشوروی» موافقت کند؟ چرا باید با چنین شعاری که ناقص منافع خلقی و ملی ماست بمبارزه برنجیزد؟

ما نه تنها خود چنین شعاری را نمی‌دهیم و نخواهیم داد، به‌همه ایرانیان میهن‌پرست، آزادی‌خواه و شرافتمند نیز توصیه می‌کنیم که با چنین شعار زیانمند و ضدایرانی بمبارزه برخیزند و آنرا طرد کنند. ما

نه تنها چنین شعاری را رد می‌کنیم، شمار «مرکز بر امریکا!» یا «مرکز بر انگلیس!» را هم نمی‌پذیریم، زیرا آنچه که مورد مخالفت ماست امپریالیسم امریکا، امپریالیسم انگلیس و یا امپریالیسم به‌طور کلی است و نه مردم امریکا، مردم انگلیس و غیره. مردم همه کشورها مورد علاقه و احترام ما هستند، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در همه‌جا مورد احترام ماست.

ما ابتدا مایل نیستیم روابط ایران با امریکا، انگلیس، آلمان غربی، فرانسه، ژاپن و دیگر کشورهای امپریالیستی قطع شود، ما فقط مایلیم که این روابط برپایه احترام

متقابل، صرفه متقابل استوار کرده و از تحمیل و تحکم رها کرده، از غارت و توطئه آزاد شود.

ما خواستار گسترده‌ترین روابط برابر حقوق با همه کشورهای جهانیم. ما آرزومند دوستی همه خلق‌های جهانیم. ما به احساسات پرشور همبستگی مسلمانان جهان با خلق مبارز فلسطین با نظر احترام و علاقه می‌نگریم، زیرا درک می‌کنیم که این احساس ناشی از همسانی آرزوهای سیاسی است. ما خود نیز براساس اصل همبستگی نیروهای ضد امپریالیستی، پشتیبان خلق قهرمان فلسطین هستیم. ولی برخی‌ها نمی‌خواهند درک کنند که احساس همبستگی ما با کشورهای سوسیالیستی، با احزاب انقلابی کارگری جهان نیز تنها و تنها ناشی از همین همانندی آرزوهای سیاسی است لاغیر.

حزب توده ایران ۳۸ سال است زندگی می‌کند. توده‌ای بودن در ایران، حداقل در گذشته، یعنی قبول بزرگ‌ترین حرمان‌ها، از مرگ تا در بدری، از توده‌ای بودن و وفاداری به‌راه آرمان حزب، مبارزان پی‌گیر و وفادار این حزب بهره شخصی نبرده‌اند. چه انگیزه‌های روزبه‌ها، سیامک‌ها، حکمت‌جوها، تیزبازها و ده‌ها و صدها شهید نام‌آور این حزب را وامیدارد که در زیر شکنجه و پای چوبه اعدام، از همبستگی جهانی جنبش‌های انقلابی جهان دفاع کنند؟ آیا چیزی جز اعتقاد؟ چیزی جز منطق؟

ارتجاع می‌خواهد با هو، ارعاب و تهدید کارگران انقلابی را از مهم‌ترین سلاح سیاسی و اجتماعی آن‌ها، یعنی همبستگی با جنبش انقلابی و رهایی‌بخش سوسیالیستی جهانی، محروم کند. زحمتکشان این «نصیحت» مغرضانه ارتجاع را رد می‌کنند و به‌راه خود می‌روند.

ضرورتی بنیادین ندارد که ما در عین علاقه به همبستگی جهانی جنبش انقلابی، میهن‌پرستان پرشور و به‌ایران و خلق‌های ایران علاقه بی‌پایان داریم و فرد فرد ما، زندگی شخصی و خانوادگی خود را در راه ترقی این کشور و سعادت مردم این کشور، بدین شکل یا بدان شکل فدا کرده است و می‌کند.

برنامه حزب توده ایران تصریح کرده است که این حزب مدافع پی‌گیر استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور است و مایل است ایرانی مستقل، دموکراتیک، مترقی، مرفه، صلح‌خواه و متحد پدید آید. ما این میهن‌پرستی حزب ما و اعتقادش به اترناسیونالیسم پیوند منطقی است. نمی‌توان آن ایران آرزویی و مطلوب را بوجود آورد، جز در سایه اتحاد جهانی همه نیروهای مترقی و شرافتمند در مقیاس جهان، علیه امپریالیسم و ارتجاع و پادوان آنها، جز در سایه اتحاد همه خلق‌های ایران در میهن واحد، در ایران واحد.

اعضاء و دوستان حزب، با بررسی این نکات و هضم عمیق آن، باید بکوشند به‌نوبه خود مظهر را از خرافاتی که در این زمینه علیه حزب توده ایران به‌وجود آورده‌اند، و گاه زمینه به تحریک و تفتین می‌دهند، بیالایند.

به پیش هر چه وسیع‌تر «مردم» کمک کنید

کمک به توزیع و پخش هر چه وسیع‌تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواخواهان و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا هر یک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرند.

آگهی انتشار:

از این پس «مردم» سه شماره در هفته: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

در برابر جبهه متحد...

و ارتجاع را نگران ساخت و در صدد محو آزادی‌های نسبی موجود برآمد، حزب ما از همه نیروهای اصیل ملی دعوت کرد تا در جبهه ضد دیکتاتوری گرد هم آیند و به کسانی که خواب بازگشت دوران استبداد را می‌بینند، فرصت عمل ندهند. در دوران حکومت ملی دکتر مصدق، که دوبار شاه مخلوع و امپریالیسم پشتیبان آن، در کار توطئه علیه دستاوردهای مبارزات مردم در راه ملی‌کردن صنعت نفت و سرنگونی دولت ملی بود، باز حزب توده ایران بود که ضرورت تشکیل جبهه واحد ضد استعمار را یادآور شد و به‌همه نیروها هشدار داد تا به‌جای تفرقه، متحد شوند و با وحدت مانع از توطئه‌های پلید امپریالیسم و ارتجاع داخلی شوند. در ماه‌های قبل از کودتای ۲۸ مرداد نیز حزب توده ایران، تنها سازمانی بود که تلاش گسترده‌ای را در راه تشکیل جبهه واحد ملی آغاز کرد، که با کمال تأسف از جانب سایر نیروهای ملی و مترقی یا با توطئه سکوت و یا با وانگش منفی زوهرو شد، امری که سرانجام به استقرار حکومت مطلقه شاه مخلوع و تحکیم مواضع امپریالیسم غارتگر انجامید.

تجربه تلخ ۲۵ سال اخیر و حوادث دردناک آن، باید در لحظه کنونی تاریخ میهن‌ها، برای همه نیروهایی که در صدد سیاست کشور به‌سود انقلاب عمل می‌کنند، عبرت‌آموز باشد. همان‌طور که ۲۵ سال پیش امپریالیسم و ارتجاع از پراکندگی گردان‌های مبارز به‌سود خود استفاده کرد و با سرکوب یک به یک نیروها و سازمان‌های ملی و ضد امپریالیستی، زیر پای خود را، ولو بطور موقت، محکم کرد، اکنون نیز ادامه پراکندگی نیروها فقط به‌سود ضد انقلاب است.

جانب است در حالی که همه نیروها خطر را احساس می‌کنند و از ضرورت اتحاد سخن می‌گویند، ولی در عمل گامی از هیچ سو به‌سوی اتحاد برداشته نشده و دعوت مکرر حزب ما هنوز بدون پاسخ مانده است. «مکتون در عرصه سیاست کشور، مسائل بفرنج و متنوعی مطرح است که حل هر یک از آن‌ها می‌تواند به‌تنهایی موضوع وحدت عدل نیروها قرار گیرد. برای نمونه از تدوین طرح قانون اساسی یاد می‌کنیم. آیا صحیح‌تر آن نبود که تدوین این طرح با شرکت نمایندگان همه نیروهای انقلابی انجام گیرد، تا هم در این امر مهم تسریع شود و هم طرح جامع و کاملی در دسترس مردم قرار گیرد؟

بفرمان امام خمینی قرار است سپاه پاسداران انقلاب تشکیل شود. بر امر پاسداری از انقلاب همه نیروهای خلقی می‌توانند شرکت کنند و زیر چتر واحد و با توسل به‌شیوه واحد مبارزه، از دستاوردهای انقلاب پاسداری نمایند. هم‌اکنون مبارزه با تروریسم مطرح است، آیا نمی‌توان از همه نیروهای انقلابی در این راه بهره‌گرفت و آنان را برای سرکوب ضد انقلاب بسیج کرد؟

مصالح انقلاب، ایجاب می‌کند که سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و همه نیروهای راستین انقلابی برای حفظ دستاوردهای انقلاب، برای سرکوب ضدانقلاب، طرد کامل امپریالیسم و تأمین استقلال و آزادی کشور، وحدت عمل را بپذیرند.

همان‌طور که حزب ما کرارا یادآور شده است، منظور از وحدت، اتحاد سازمانی و ایدئولوژیک نیست، بلکه همه سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی می‌توانند با حفظ استقلال ایدئولوژیک و سازمانی، در جبهه مشترکی متحد عمل کنند و همه امکانات خود را زیر چتر واحدی برای سرکوب ضد انقلاب و حل دشواری‌های سیاسی و اقتصادی کشور بسیج نمایند. در برابر چنین مشت کوبنده‌ای، قدرقدرت‌ترین دشمن‌ها، قادر به مقاومت نیست.

مردم و شما...

استفاده کرده اعلام می‌کنیم که چنین کتابی به‌کلی جعلی است و از ساخته‌های ساواک و مراکز توطئه امپریالیستی است. در این اواخر چنین مطالبی با مقاصد سیاسی خاص ضد انقلابی به‌نام حزب‌ها انتشار می‌یابد. همه خوانندگان باید به‌هوش باشند و در دام این تشبیه مذبحانه نیفتند همان‌طور که در «مردم» اعلام شده، تمام نشریات حزبی توسط اداره ویژه انتشارات حزب توده ایران چاپ و توزیع خواهد شد. جعل و تحریف سیاست تبلیغی خرابکارانه دشمن است و باید در هر جا آن را فاش کرد.

حزب توده ایران و مذهب...

کرده و می‌کند، بغض و کین امپریالیسم غارت‌گر و بهره‌کشان داخلی را به‌خود جلب کرده است و چون حرف‌های حسابی و اساسمند این حزب پاسخ منطقی ندارد، لذا پای افتراء زدن به‌میان می‌آید، و بدان سبب که مذهب از عقاید بسیار رایج و ریشه‌دار در میان مردم است، یکی از بهتان‌ها، به‌قصد منفرد کردن حزب، عبارتست از انتساب «لامذهبی»، برای پراکنجستن عواطف دینی و حتی تعصبات شدید علیه حزب توده ایران. این از آن حرب‌های آلوده‌است که طی تاریخ همیشه قشرهای ارتجاعی علیه مبارزان پیشگام و انقلابی جامعه به‌کار برده‌اند و به‌کار می‌برند.

حزب توده ایران در اثر بینش علمی خود نیک می‌داند که عقاید مذهبی می‌توانند نقش‌های مختلفی، در ادوار مختلف تاریخ، در جامعه ایفاء کنند. مثلاً می‌داند که این عقاید، در دست عمال رژیم‌های ستمگر می‌تواند به‌افزار تخدیر و برده‌سازی مردم بدل شود، یا به‌کمک نیروهای دوستدار خلق می‌تواند به‌اهرم محرک در جهت ترقی جامعه تبدیل گردد، چنان‌که مکتب اسلامی موسوم به «بینش توحیدی» یا «تشیع سرخ علوی» در مبارزه با رژیم طاغوتی محمدرضا شاه مخلوع، در واقع نیز به‌چنین اهرمی بدل گردید و موفق شد با ترکیب عاطفه مذهبی مسلمانان با عاطفه سیاسی آنان علیه استبداد و استعمار، حرکت پرتوانی به‌سود تکامل جامعه ما ایجاد کند.

حزب توده ایران نه‌فقط نفعی ندارد که این روند را نبیند و نشانسد، بلکه برعکس ذینفع است که آنرا بدرستی و تمام و کمال ادراک کند. ما بارها در گذشته نوشتیم که به‌پیدایش بینش نوین در اسلام و تشیع، که در جهت منافع مردم است، تهنیت می‌گوئیم. ما این مطالب را زمانی نوشتیم که این بینش، حتی تمام اثرات اجتماعی خود را ظاهر نکرده بود، و این خود نشانه دقت و صداقت و بی‌نظری ما در تحلیل و ارزیابی مسائل اجتماعی است.

منتها کسانی نمی‌خواهند این مطالب را بشنوند، ببینند و ادراک کنند. منفعتشان در آنست که به‌قول خود از «کمونیست‌های بی‌دین» دم بزنند و به‌شیوه امپریالیسم امریکا، «خطر مارکسیسم» را به‌رخ بکشند، یا، به‌جای دیدن وجوه مشترک جامعه قسط و عدل اسلامی با سوسیالیسم، دائماً در صدد یافتن وجوه افتراق باشند. در حالیکه لازمه پیشرفت امر انقلاب و پیروزی بر دشمن مشترک، کوشش در راه وحدت کلمه است نه در راه تفرقه.

حزب توده ایران یک جریان سیاسی است نه‌مذهبی و به‌همین سبب اعتقاد مذهبی افراد را مانع عضویت در صفوف خود نمی‌شورد. در گذشته و حال، هزاران تن زحمتکشی مذهبی و از آنجمله مسلمان، شیعه عضو حزب توده ایران بوده‌اند و هستند، که کلیه آداب و مراسم مذهبی را نیز مراعات می‌کنند. ولی آنها تجسم آرمان حیاتی خود را در تحقق برنامه عدالت اجتماعی حزب ما می‌بینند. این یک واقعیت است. حزب توده ایران به‌مذهب و معتقدات مذهبی و به‌ویژه اسلام و تشیع، که دین اکثریت مردم ایران است، احترام می‌گذارد، زیرا چگونه می‌توان مردم را دوست داشت و به‌اعتقادات مردم احترام نگذاشت؟

به‌این استدلال‌ها ما لایم چند نکته دیگر را هم بیافزائیم:

۱. دین اسلام که بساط اشرافی ساسانی را برچید، نه‌فقط در جزیره العرب، بلکه در کشور ما نیز، در ۱۳۵۰ سال پیش، یک تحول انقلابی پدید آورد و نظام طبقات جامد (کاست) جامعه ساسانی را درهم ریخت و با ایجاد امکانات رشد فردی برای قشرهای محروم جامعه، موجب پیدایش نوآوری از قبیل ذکرای رازی، ابن‌سینا، ابوریحان بیرونی، غزالی، فردوسی، رودکی، ناصر خسرو، بیهقی، شیخ طوسی، شیخ طبرسی، فخر رازی، تفتازانی، و ده‌ها و ده‌ها محقق و متفکر و هنرمند دیگر از میان مردم شد و دورانی را در تاریخ ما به‌وجود آورد که به‌رسانس یا نوزائی شرق معروف است.

۲. از درون دین اسلام، مذهب جعفری شیعه اثنا عشری نشأت کرد که نقش بزرگی در انقلابات اجتماعی و ضد سبطه خارجی در ایران ایفاء نمود. در زیر پرچم این مذهب، ایرانیان با خلفای عباسی درافتادند و سلطه آن‌ها را سرانجام برانداختند. در زیر پرچم این مذهب، ایرانیان استقلال خود را در مقابل خوندگاران عثمانی و خانان ازبک حفظ کردند. نقش تشیع در حفظ خودبودگی و استقلال میهن ما نقش مهمی است.

چگونه می‌توان ایرانی میهن‌پرست بود و این واقعیات را ندید؟ حزب توده ایران هرگز به‌افسانه «ایده‌آل» بودن ایران قبل از اسلام و «فاجعه‌آمیز بودن» شکست یزدگرد ساسانی باور نداشت، زیرا در تحلیل علمی تاریخ کشور، به‌چنین نتایج سستی نمی‌رسید. آن هنگام که حزب ما این نکات را می‌گفت و در اطراف آن می‌نوشت، کسی نگفته و نوشته بود و برعکس تبلیغات شوینستی تجلیل از گذشته شاهنشاهی مدروز بود.

۳. به‌علاوه ما برای شخصیت انقلابی محمدبن عبدالله، پیغمبر اسلام، شخصیت بزرگ علی‌بن‌ابیطالب و حسین‌بن‌علی، رجال نامدار تشیع و اسلام احترام عمیقی قائلیم و آن هنگام که ما در سال‌های بیست می‌نوشتیم که حماسه کربلا را باید به‌انگیزه‌های برای پایداری بدل کرد، و نه‌بوسیله نذبده و زاری، در اینکار آغازگر بوده‌ایم و کسی دیگر این مطلب را با آن وضوح و استدلال تاریخی نگفته و مطرح نساخته بود.

ولی تمام این نظریات و سخنان حزب، همیشه با توطئه سکوت روبرو شد و نغمه شوم «لامذهبی» ادامه یافت. به‌ویژه از این واقعیت، که حزب ما به‌علت تصمیم سراپا ظالمانه غیر قانونی شمرده‌اش، امکان کمی داشت تا سخنان خود را به‌گوش مردم برساند، بحد اکثر سوء استفاده شد و پیشداوری‌های زشتی علیه وی بوجود آمد. شاه و ساواک سردهسته این افتراء زنان بودند.

امید است روحانیت مترقی و بررأس آن امام خمینی و دیگر مقامات ذینفوذ روحانی باین مطالب توجه لازم را میدول دارند و بمبارزان اسلامی راهنمایی کنند تا تحت عنوان «مذهب»، تقار و اختلاف عبث، بین پیروان یک راه، یعنی راه آزادی و استقلال و به‌روزی ایران، پدید نشود و ایرانی به‌جان ایرانی دیگر نیافتد و بدیسان راه ضد انقلاب هموار نگردد. اعضاء و هواداران حزب باید نکات مندرجه‌در این نوشته را نیک بررسی کنند و آنرا با تمام قوا به‌دیگران توضیح دهند و به‌تاراندن دوده‌های سفسطه و افتراء کمک رسانند.

پوزش

با کمال تأسف به‌اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم که به‌علت بی‌توجهی در چاپخانه، شماره «گل‌بولاد»، مندرج در شماره ۱۱ «مردم»، که از آقای سیاوش کسرایی است، اشتباها به‌نام احسان طبری چاپ شده است. از آقای سیاوش کسرایی به‌علت این اشتباه، صمیمانه پوزش می‌طلبیم.

توجه!

از آنجا که هنگام انجام مراسم یادبود شهید بزرگ خسرو روزبه، «مردم» زیر چاپ بود، جریان این مراسم در شماره آینده «مردم» به‌اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

پرسش ها و پاسخ ها

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دوستان حزب توده ایران، پرسشهایی در باره تاریخ حزب، سیاست حزب و مواضع حزب نسبت به مسائل گوناگون پیش می آید. از این پس روزنامه «مردم» ستونی می گشاید، زیر عنوان «پرسشها و پاسخها»، و در این ستون کوشش بعمل خواهد آمد به پرسشهایی که از طرف افراد مختلفی، به یکسان و یا تقریباً یکسان مطرح می شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگان «مردم» و دوستان حزب خواهشمندیم پرسش های خود را به دفتر روزنامه مردم ارسال دارند.

در نامه دوستی، مسئله جامعه کمونیستی و این که «ملی کردن سرمایه ها، مردم را خلع سلاح می کند و تبدیل انسانها به مهره های شطرنج دستگاه حاکم» مطرح می شود. وی ضمناً می نویسد: «خودمن اعتماد دارم که ملی کردن و تمرکز کلیه مسئولیت های تامینی و تضمینی در دست دولت بهترین راه حل است.»

از متن مفصل نامه معلوم می شود که مقصود نویسنده جوامع سوسیالیستی موجود است نه جامعه کمونیستی، به معنای مرحله عالی تر و والاتری که هنوز هیچ کشوری بدان نرسیده است. در جوامع سوسیالیستی موجود، وسایل عمده تولید ملی شده اند و این امر نه مردم، بلکه سرمایه داران و استثمارگران را خلع سلاح کرده است. اگر مقصود همان عبارت تبلیغاتی تکرار رژیم شاه مخلوع باشد که می گفتند «سپردن کار مردم به مردم» و منظورشان از مردم، سرمایه داران بود، آن وقت جمله نوشته شده صحیح است. و گرنه تازه به دنبال ملی کردن رشته های عمده تولیدی و مالی و بانکی و ریشه کن کردن مبنای استثمار است که توده های مردم شخصیت واقعی خود را بازی می یابند، دشمن خود را خلع سلاح می کنند، از اسارت بدر آمده و به دوران بردگی کار پایان می دهند؛ تازه در این موقع انسانها نه به مهره شطرنج، بلکه به تصمیم گیرنده واقعی در امور کشور و تعیین کننده سرنوشت خود تبدیل می شوند. در جهان سرمایه داری توده مردم، مهره بی اراده نطع شطرنج در بازار پر غوغای سود و سرمایه اند. این یک بهانه دروغین است که ابتکار در سوسیالیسم از بین می رود و بطور کلی «دولت نه مدیر خوبی است نه تا جر خوبی». این حرف را می زنند (و البته دولت های ضعیف و غیر خلقی نیز مستمسک لازم آن را فراهم می آورند) تا به این نتیجه برسند که اصولاً ملی کردن، یعنی مالکیت دولت بر وسایل معین تولید، حتی قبل از سوسیالیسم چیز خوبی نیست، چه رسد به دولت سوسیالیستی، و چه بهتر که اصلاً نباشد و جامعه به همان صورت سرمایه داری باقی بماند! در حالی که همان طور که تاریخ نشان داده است، ابتکار خلاقه و بسود جامعه، نه در نظام سرمایه داری، بلکه در جامعه سوسیالیستی نضج می یابد و شکوفان می شود.

چه در برداشت مارکسیستی و چه در تعبیر انقلابی جدیدی که برخی از متفکرین اسلامی به دست می دهند، برای رهایی و نجات مردم و شکوفایی شخصیت انسانها و این که دیگر «مهره شطرنج نباشند» و در بعد سیاسی خود حاکم بر سرنوشت خویش و میهن خود گردند و در بعد فلسفی «از خویشتن بیگانه» نشوند، لازم

رویدادهای جهان

توطئه تجاوز و جاسوسی مشترک

روزنامه انگلیسی زبان جردن تایمز، چاپ اردن، نوشت که آمریکا و اسرائیل طرحی مشترک برای جاسوسی در جهان عرب تنظیم کرده اند. جردن تایمز همچنین اعلام کرد: پیشنهاد صلحی که مناسیح بگین در اوائل هفته جاری به لبنان تسلیم کرد، توطئه ای است که هدف آن ایجاد آرامش در یک جبهه جنگ به منظور بازگذاشتن دست اسرائیل برای حمله به سوریه و عراق است. این روزنامه همچنین نوشت که بگین می خواهد همه فلسطینیها به سوریه، عراق، عربستان سعودی و لیبی انتقال یابند!

گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن مؤید وجود چنین توطئه ای است. ناظران سیاسی در پایتخت آمریکا این مطلب را افشا کردند که هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا، اعلام کرده است که در صورت نقض پیمان صلح اسرائیل و مصر، آمریکا احتمالاً دست به یک مداخله نظامی در خاور میانه خواهد زد!

براون همچنین این احتمال را رد نکرد که آمریکا برای دفاع از «منافع حیاتی» خود در خاور میانه از قدرت نظامی استفاده خواهد کرد. وزیر دفاع آمریکا سپس متذکر شد که این مداخله عمدتاً به صورت ارسال اسلحه به اسرائیل و اعزام ناوهای جنگی و هواپیما، به منظور نمایش قدرت در ناحیه، انجام خواهد گرفت.

روزنامه الثوره، چاپ دمشق، نیز نقشه تجاوز جدید اسرائیل را افشا کرد و نوشت: این کشور برای آن که مساله فلسطین را از میان ببرد، سوریه، عراق، اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین را مورد حمله قرار خواهد داد.

از طرف دیگر روزنامه تحریر، چاپ سوریه، نوشت که آمریکا و مصر مسئول تجاوزات وحشیانه اسرائیل علیه مردم لبنان و فلسطین هستند. این روزنامه سوری ضمن ابراز خرسندی از رد پیشنهاد صلح بگین از طرف الیاس سربس، نوشت: «این اقدام حجت نخست وزیر اسرائیل که به طور مسالمت آمیز مطرح شده، هنگامی اعلام می شود که هواپیماهای این کشور بدر نابودی و مرگ در لبنان می افشانند.»

پایتخت «جاودانی» اسرائیل

دولت صهیونیست، بی اعتنا به مصوبات و قطعنامه های سازمان ملل متحد و افکار عمومی جهان، بالاخص خاورمیانه، همچنان دعای ارضی خود را تکرار می کند. چنان که بار دیگر اعلام کرد که تصمیم دارد نظارت خود را بر بخش غرب نشین بیت المقدس حفظ کند. سخنگوی دولت اسرائیل از این هم با فراتر نماند و در پایان اجلاس کابینه این کشور آشکارا و مستحاطه گفت: «بیت المقدس جاودانه پایتخت تقسیم ناپذیر اسرائیل خواهد ماند!» لکن تاریخ بارها به مدعیان توسعه طلب «فنازی حیاتی» پاسخ دندان شکن داده است و این بار نیز به نحوی شایسته خواهد داد.

سازمان آزادیبخش فلسطین، به رهبری یاسر عرفات، به اتفاق سوریه و لبنان، پیشنهاد اخیر صلح مناسیح بگین را درباره اسکان مجدد فلسطینی های ساکن لبنان و سایر کشورهای عربی رد کرد و تصمیم خود را مبنی بر تشدید جنگ چریکی علیه اسرائیل اعلام داشت. روزنامه تحریر چاپ سوریه نیز درباره تجاوزات اخیر اسرائیل و بمباران های زمینی و هوایی چند ناحیه لبنان از طرف اسرائیل، نوشت که مهاجمان اسرائیلی بی مجازات نخواهند ماند.

به گزارش خبرگزاری تاس، سلیم الحص، نخست وزیر لبنان، نیز این حملات اسرائیل را محکوم کرد و از سازمان ملل متحد خواست که از هرگونه اقدامی برای خاتمه دادن به عملیات تجاوزکارانه اسرائیل، که مغایر با اصول منشور ملل متحد و ناقض مصوبات شورای امنیت درباره لبنان است، دریغ نوزد.

سرنخ تجاوزات به حقوق ملل در کجاست؟

تاس، خبرگزاری شوروی، در تفسیری که به جنجالهای تبلیغاتی چرخ بوش، رئیس پیشین سازمان جاسوسی آمریکا، اختصاص داد، نقطه اتصال این سرنخ را در سرزمین «مجمعه آزادی» نشان داد. بوش، که خود را نامزد ریاست جمهوری آمریکا برای انتخابات آینده کرده است، کنفدرهان و خشمگین علیه ایران جنجال تبلیغاتی آغاز کرده است. تاس متذکر شد که این انقلاب ضد امپریالیستی ایران است که چرخ بوش را دچار برآشفگی و ناراحتی کرده است. بوش عاجز از درک این واقعیت است، که ایران در پی ناراحتی در انقلاب، سیاست خارجی مستقلی در پیش گرفته و خواستار الحاق به جنبش عدم تعهد و استقرار مناسبات حسنه با کشورهای همسوار است. بوش، به تبعیت از دولت متبوع خود و روش های سنی آمریکای امپریالیست، که برای تأمین مقاصد استعماری غارتگرانه خود همیشه کوشیده است تا رسم وابستگی و اسارت خونین و تنگن را در جهان پاس دارد و ایفا کند، می خواهد دولتی وابسته به غرب بر ایران حکم براند و نظامی اقتصادی هانند با سیستم اقتصادی غرب در ایران حاکم باشد و منافع غرب در این کشور تأمین و تضمین شود. بوش می خواهد ایران از «ایده نولوژی» غربی تبعیت کند و بنابراین وی در صدد است که رژیم مطلوب خود را بر کنواری مستقل تحمیل کند.

خبرگزاری شوروی سپس در پاسخ سوالي که بوش چگونه می خواهد به این آرزوی خود تحقق بخشد، اعلام کرد که رئیس سابق سازمان جاسوسی آمریکا برای این کار روش ویژه ای دارد. وی توصیه می کند که این امریکاست و نه مردم ایران که باید خط سیر انقلاب را در این کشور ترسیم کنند، و برای نیل بدین مقصود باید از جمیع امکانات استفاده کرد!

تاس سپس تصریح کرد که سابقه بوش در سازمان جاسوسی آمریکا معلوم می کند که قصد وی از این «امکانات» چیزی جز تضییقات نظامی، تحریک و تهدید نیست! خبرگزاری شوروی متذکر شد که رئیس پیشین سیا بدین علت خشمگین است که آمریکا در ایران مداخله نظامی نکرده است!

تاس با استناد به سخنان اخیر بوش اشاره کرده، که اعلام کرده بود امر مقام ریاست جمهوری از آن او بود، اگر به بهای تصادم با شوروی نیز تمام می شد، در ایران مداخله می کرد و مسیر انقلاب این کشور را در جهت مطلوب خود تغییر می داد!

... و درون متناسب با این تراوشها - دراکولایی که رئیس بانک خون می شود!

به گزارش تاس، دانشگاه کرنل آمریکا در گزارشی اعلام داشت که دولت ایالات متحده، نه تنها برای رفع تبعیض نژادی در این کشور اقدامی به عمل نیاورده، بلکه اقلیتها را از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی محروم داشته است. و روتبرگزارش داد که شصت و پنج هزار نفر در نزدیکی کاخ سفید واشنگتن تظاهرات عظیم برپا کردند و خواستار آن شدند که دولت آمریکا به استفاده تجاری از نیروی هسته ای پایان دهد. رهبری این تظاهرات اعلام کرد که شخص کارتر، رئیس جمهوری آمریکا، هدف اصلی این تظاهرات است. عده ای از سخنرانان، جمعیت را مخاطب قرار دادند و اعلام کردند که انتصاب جیمز شلینگر به سمت وزارت انرژی در مثل بدان ماند که دراکولا به ریاست بانک خون منصوب شود!

مورد دیگر در افشای ماهیت، ماجرای رشا و ارتشا در معاملات آمریکا و ژاپن است. داستانی توکیو، پایتخت ژاپن، اعلام کرد که در معامله هواپیماهای جنگی فائوم میان آمریکا و ژاپن، بیش از دویلمیون دلار رشوه پرداخته شده است! به گزارش داستانی توکیو تاریخ پرداخت این رشوهها، سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ بوده است! مورد دیگر، تگرانی آمریکا از کمبود بنزین در این کشور است. جیمی کارتر اعلام کرد که در تابستان امسال کمبود بنزین تمام آمریکا را در بر خواهد گرفت. لکن امریکاییان این گفته رئیس جمهوری را باور ندارند. براساس یک نظرخواهی، از هر دویتر امریکایی یک نفر اعتقاد دارد که عمل شرکتی نفتی باعث این کمبود بنزین است و حتی بسیاری از امریکاییان اعتقاد دارند که دولت آمریکا با شرکت های نفتی بند و بست کرده است!

مردم چین در دام گروکشی های امپریالیسم

وزیر بازرگانی آمریکا، که در روزهای اخیر در راس یک هیئت مهم بازرگانی از این کشور وارد پکن شده ابراز امیدواری کرد که یک موافقتنامه تجاری با رهبران چین معقد سازد و برای استقرار مناسبات کامل سیاسی، روابط اقتصادی خود را با این کشور گسترش بخشد. وی همچنین گفت که انتظار می رود حجم مبادلات بازرگانی آمریکا و چین از یک میلیارد و صد میلیون دلار سابق به یک میلیارد و شصت میلیون دلار افزایش پیدا کند. لکن آمریکا انعقاد پیمان بازرگانی با چین را، به تحمیل دعای مالی آمریکا به مردم چین و حل و فصل آن به گونه ای که مطلوب محافل امپریالیستی امریکاست، مشروط کرده است!

... و رهبران مائوئیست چین در سراسیمه تجاوز

روزنامه نیان دان، ارگان حزب کمونیست ویتنام، اعلام کرد که چین از سی ام آوریل تا سوم مه، چهار بار نواحی مرزی ویتنام را مورد تجاوز قرار داده است. نیان دان همچنین نوشت که سربازان چینی در این مدت به خاک ویتنام داخل شدند، چندین خانه را طعمه حریق ساختند و جمعی از غیرنظامیان این نواحی را به قتل رساندند. بماران این احوال هواپیماهای چینی نیز به آسمان ایالت لان سون تجاوز کردند.

مارشال اوستینوف، وزیر دفاع و عضو پولیت بوروی حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز در سخنرانی خود به مناسبت سی و چهارمین سال شکست آلمان نازی، اعلام کرد که چین صلح و امنیت جهانی را به مخاطره افکنده است. وزیر دفاع شوروی سپس اختصار کرد که ارتش شوروی برای مقابله با هر حمله ای آمادگی کامل دارد.

تاجر و مشکل تراش هایش

خانم تاجر، نخست وزیر جدید انگلستان، در زمینه سیاست داخلی و خارجی حزب و کابینه خود، یکی پس از دیگری دسته گل هایی به آب می دهد. انتصاب لرد کارینگتون به سمت وزیر خارجه کابینه محافظه کار، خشم پاره ای از محافل پارلمانی و سیاسی، بالاخص اعضای حزب کارگر را در پارلمان، برانگیخته است. یکی از نمایندگان حزب کارگر اعلام کرد که انتصاب یک لرد به سمت وزارت خارجه اقدامی غیر دموکراتیک است.

از طرف دیگر اعلام شد که حزب کارگر انگلیس با سیاست تاجر درباره رودزیا و حمایت از بانسیت مخالفت و مبارزه خواهد کرد.

همچنین همزمان با تصدی مقام نخست وزیری از طرف تاجر، هفته نامه لبنانی مگازین گزارش داد که انگلستان برای توسعه پایگاه هوایی خود در قبرس اقداماتی معمول داشته است. به نوشته این هفته نامه، برنامه هایی در شرف اجرا است تا پایگاه های هوایی آکروتیری در قبرس پذیرای هواپیماهای سنگین و مافوق صوت گردد و یک سیستم مدرن رادار در آن نصب شود.

در گزارش مگازین همچنین آمده است که چند فروند هواپیمای باری هرکولس، که قبلاً به ایران برده بودند، اینک با تجهیزات امریکایی به پایگاه آکروتیری انتقال می یابند.

خانم تاجر، که در استفاده از سیاست «توب و تر» سخت ششاده دست است، در مصاحبه ای با هفته نامه امریکایی تایم، بی آن که وضع آمریکا را در شرایط اثرایی و اضطرابی اضمای پیمان سالت ۴ مورد توجه قرار دهد، به اتحاد شوروی حمله کرد، و حتی به ژاپن گرایش میلیتاریستی بیشتر را توصیه کرد؛ وی به عنوان ارائه یک «رهنمود» گفت، مایل است که ژاپن بودجه بیشتری را به امور نظامی خود اختصاص دهد.

کوششی که برای تقویت امنیت بین المللی به ثمر می رسد

وینایی کویچی، مشاور امور خارجی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در مصاحبه ای با هفته نامه لیترا تور نایاگازتا، چاپ مسکو، اعلام کرد که پیمان جدید محدودیت سلاحهای استراتژیک (سالت ۲) موجب تقویت امنیت بین المللی خواهد شد، لکن به تنهایی نخواهد توانست سابقه تسلیحاتی را به مرحله نهایی رساند. وی همچنین گفت: «پیمان جدید تحدید سلاحهای استراتژیک که اخیراً تکمیل شد، بزودی میان رهبران شوروی و آمریکا به امضا خواهد رسید. کویچی سپس متذکر شد که جهانپان به پیشرفت گفت و گوهای سالت، که هفت سال به طول انجامید، امید بسیار داشتند، لکن نباید تصور کرد که با انعقاد این پیمان سابقه تسلیحاتی در جهان پایان خواهد یافت، اگرچه نقش مهم آن در تقویت صلح و تحکیم امنیت بین الملل نمی تواند مورد تردید باشد.»

و در این حکومت خلق، البته سرمایه داری و بهره کشی و ستم خلق سلاح می شود. خلاصه ای از نامه یک دوست: مرتجعین اذهان مردم را پر کرده اند که هدف کمونیستها مبارزه با مسلمانان است... برای من روشن است که این حرفها یاهوسرائی است... هدف کمونیستها احیای زندگی انسانها است و مبارزه برای بهتر زندگی کردن بحث دیگری است... مبارزه با خرافات به معنای مبارزه با مذهب نیست... بحث در آن باره دسیسه ای بیش نیست. در این موارد توضیح دهید.

— دوست عزیز! شما به نکته اصلی به درستی توجه کرده اید. در تلاش برای ساختن ایرانی مستقل و آزاد،

همه میهن پرستان و ترقی خواهان انقلابی، صرف نظر از دین و مسلک شریک و سهیم اند. مرزبندی بین مذهبی و غیرمذهبی نیست، بلکه بین انقلابیون و ضد انقلابیها است. هم اکنون در صف انقلابیون، ما هم طرفداران صدیق اسلام راستین انقلابی را می یابیم، هم طرفداران سایر ادیان و مذاهب و هم معتقدان به مسلک های سیاسی و غیر مذهبی را. مهم و عمده این است که این صف انقلاب را از صف ضدانقلاب، یعنی طرفداران سلطه امپریالیسم آمریکا و دار و دسته ساواک و بقایای رژیم سرنگون شده، ولی همچنان فعال و خطرناک، جدا کرد. هرگونه خلط میحت و جایگزین کردن این مرزبندی واقعی بین انقلاب و ضدانقلاب، با بقیه در صفحه ۶

است که جامعه بدون طبقه و فارغ از استثمار ایجاد شود (که منجمله ملی کردن سرمایه های غارتگر و بهره کشی از ثمره کار دیگری را نیز در بر می گیرد) و البته در اینجا بحث بر سر مالکیت شخصی بر کلیه وسایل مورد نیاز زندگی و یا وسائل تولیدی که منجر به استثمار کار کس دیگر نشود نیست که در سوسیالیسم هم کاملاً مجاز است. به علاوه دیکتاتوری و زورگوئی، به معنای حکومت خودکامه مثنی معدود بر توده مردم، در واقع اساس استثمار و مالکیت خصوصی بر وسایل عمده تولید مستقر می شود شما دوست عزیز می پرسید بر چه اساسی این خودکامگی در جامعه سوسیالیستی حذف می شود؟ درست بر همین اساس حذف علت آن، در

مگذار تا بخوانمت...

ای بر ستیغ‌های سحر رهسیر، بیا!
ای بر سپاه رنجبران راهبر، بیا!

وقت است وقت که بر ما گذر کنی
ای فاتحانه رفته بهر شهر و هر دیار
بسیار شد که دل به تو بود و نیامدی
حال این سفر بیا!

آری بیا زخیل پراکنده صف بساز
صف‌ها ز توده‌های همه‌جان به کف بساز
دیری‌مکن، درنگ‌مکن، زودتر بیا!

پر می‌کنندمان
سر می‌زنندمان
ای تیز پر برس
ای سخت‌سر بیا!

از راست می‌زنند
از چپ هزار تیر به افسون می‌افکنند
جنگ است و دشمنان به کمین از
چهار سوی
ای پهلوان مهلکه‌های خطر، بیا!

ای پیش‌تاخته
ای دستکار تو آینده ساخته
ای عشق آفریده و دانش گداخته
ای پرهز بیا!

سهراب می‌کشند
در زخم باده خون سیاوش می‌خورند
غم‌غم، ستم‌ستم
ای رستم نیامده در نامه، شکل گیر
مگذار تا بخوانمت ای کارگر، بیا!

فرهاد ره‌آور

پرسش‌ها و پاسخ‌ها
مرزبندی دیگری، مثلاً بین مذهبی و
غیرمذهبی، اقدامی است مخالف با
اهداف انقلاب و خواست‌های مردم؛
خرابکاری در امر انقلاب است اگرچه
به نام و در لباس انقلابیگری عرضه
شود.

در آنچه مربوط به حزب ما است،
حزب توده ایران، آموزش‌مارکسیسم
لنینیسم را رهنمای تحلیل‌های خود
قرار می‌دهد و آن را یک قطب‌نمای
علمی در برخورد با مسائل اجتماع
می‌شمارد. ولی این امر اصلاً به معنای
بی‌خدائی یا عمده کردن بحث مسئله
مذهبی نیست، که مسئله‌ای ایست‌مربوط
به آگاهی و انتخاب هر شخص و منجمله
هر توده‌ای. در داخل حزب ما معتقدان
به ادیان مختلف و هم‌چنین غیرمذهبی
ها در راه برنامه حزب و تأمین
آزادی و استقلال و بهروزی مردم

در گردهم‌آنی پرشکوه و شور انگیز بر مزار خسر و روزبه،
قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران،
هزاران نفر یکصدا گفتند:

روزبه قهرمان، راهت ادامه دارد! درود بر روزبه، افسر حزب توده!

در مراسم بیست و یکمین سالگرد شهید بزرگ خسرو روزبه،
بار دیگر پیوند ناگسستنی حزب توده ایران
با خلق زحمتکش ما تأیید و تحکیم شد.

جریان این مراسم در شماره آینده «مردم» به اطلاع خوانندگان
گرامی خواهد رسید.

تلاش‌های امریکا در منطقه برای جبران مواضع از دست رفته خود در ایران

مواضع نظامی و استراتژیکی خود در منطقه
خاور نزدیک و میانه.
علاوه بر سرهم‌بندی پیمان صلح مصر
اسرائیل، که از جانب کارتر باعجله انجام
گرفت، امریکا برای جلب جمهوری عربی
یمن به سابقه تبلیحاتی، به‌فالیتهای پسر
تب و تابی دست زده است. بنا به تصمیم
کارتر، امریکا معادل ۳۹۰ میلیون دلار
به این کشور اسلحه می‌فروشد. و این اقدام
در موقعی صورت می‌گیرد که یمن شمالی
با جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در راه
رفع اختلافات خود به موافقت‌های چشمگیری

پیروزی انقلاب در ایران، که موجب
سرکونی رژیم وابسته به امریکالیسم امریکا
در میهن ما گردید، موجب آن شد که
امریالیسم امریکا مناسب‌ترین پایگاه نظامی
و استراتژی خود را در منطقه خاور نزدیک
و میانه از دست بدهد.
اما امریکالیسم امریکا، که به‌پندآموزی
از ناکامی‌های خود در نقاط مختلف جهان
همواره بی‌اعتنا است و پس از هر ناکامی
به تلاش‌هایی بیهوده برای جبران آن دست
می‌زند، این بار نیز، به‌تبعیت از شیوه
متداول خود، با شتاب در تکاپوی یافتن
پایگاه‌های تازه‌ایست به‌منظور استحکام

نظامی صنعتی امریکا باز می‌گشت و ایران
نیز بر همین اساس نقش ژاندارم منطقه را
در سرکوب جنبش‌های رهاشی بخش ملی
خلق‌های منطقه ایفاء می‌نمود.
همچنان‌که به‌دنبال خریدهای کلان
تسلیماتی، سیل مستشاران امریکائی و عمل
دوآبر جاسوسی امریکا به ایران سرازیر
می‌شد، اکنون نیز با ورود تسلیحات
امریکائی، حضور نظامی امریکا در منطقه
گسترش می‌یابد و صلح و امنیت خلق
های منطقه را در معرض تهدید جدی قرار
می‌دهد.

رسیده‌اند و درباره متحد ساختن دو کشور
یمن، طرح‌هایی تهیه و اعلام نموده‌اند.
روشن است که صدور این تسلیحات
نه تنها کمترین ضرورتی برای پایداری صلح
در این منطقه ندارد، بلکه برعکس صلح
و امنیت خلق‌های منطقه را بیشتر به‌خطر
می‌اندازد. امریکالیسم امریکا که به‌صلح
و امنیت این منطقه کوچک‌ترین توجهی
ندارد، تنها هدفش تأمین امنیت آبراهه
های نفت‌رسانی است.
در زمان رژیم شاه مخلوع نیز، درآمد
های نفتی ایران به‌خاطر حفاظت همین
آبراهه‌ها به‌گواصندوق‌های کمپلکس‌های

سیاست صلح و دوستی با همسایگان به سود استقلال ایران است

سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به همسایگان باید مبتنی بر اصول
همزیستی، سالم‌آمیز، صلح و دوستی باشد. سیاست رژیم دست‌نشانده پهلوی نسبت به
همسایگان، سیاست نظامی‌گری و تجاوزکارانه بود. رژیم شاه مخلوع، در نقش ژاندارم
منطقه، کشورهای همسایه را به تجاوز تهدید می‌کرد و مایه تحریک و تشنج در منطقه بود.
این سیاست، صلح منطقه و امنیت کشور ما را همواره به‌خطره می‌انداخت.
انقلاب ضد امریکالیستی، دمکراتیک و خلقی ما قلم بطلان بر روی این سیاست
ضد ملی کشیدند. ولی برای ایجاد محیط سالم و برای تحکیم صلح منطقه و در نتیجه
تأمین امنیت استوار برای کشورمان، کافی نیست که سیاست نظامی‌گری و تجاوزکارانه
گذشته فقط محکوم اعلام شود. می‌بایست سیاست خارجی فعالی مبتنی بر صلح و دوستی
با همسایگان در پیش گرفت. سیاست فعال بدین معنا است که دولت جمهوری اسلامی
ایران مبتکر پیشنهادهایی به کشورهای همسایه باشد، که همزیستی، صلح و دوستی را
یا آن‌ها رسمیت دهد و بدین وسیله محیط سالم و امنی برای منطقه و کشور بوجود
آورد. بهترین وسیله برای دسترسی به این هدف - به‌نظر ما - پیشنهاد عقد قرارداد یا
پیمان دوستی و عدم تجاوز با تمام همسایگان - پاکستان، افغانستان، اتحاد شوروی، ترکیه
عراق و همسایگان جنوبی است. این پیشنهادی است سازنده، بیان‌گر صلحخواهی و
دوست‌یابی جمهوری اسلامی ایران، محکمی است که نشان خواهد داد، همسایگان ما چگونه
موضعی نسبت به انقلاب ضد امریکالیستی، دمکراتیک و خلقی ما اتخاذ کرده‌اند. در اینجا
یادآوری این واقعه تاریخی به‌جاست که قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا - این سند اسارت
و این وسیله راندن ایران در راه نظامی‌گری و تجاوز - زمانی در سال ۱۳۳۸ (۱۹۵۹)
از طرف دارو دست شاه با ایالات متحده امریکا به‌امضا رسید که مذاکرات عقد یک پیمان
عدم تعرض بین ایران و شوروی جریان داشت. یکی از دلایل عقد قرارداد دو جانبه نظامی
که دولت امریکا مجدداً طرح آن را یک‌جانبه تهیه دید، به‌وسیله شاه مخلوع مجدداً
به‌امضا رساند، مانع از به‌تمرسین مذاکرات نامبرده بود. جالب این است که در آغاز،
پیشنهاد عقد پیمان عدم تعرض از جانب خود دولت ایران مطرح شده بود و اتحاد شوروی
همان پیشنهاد ایران را بعنوان مبنای مذاکره پذیرفته بود.
اینک که انقلاب ضد امریکالیستی خلق قهرمان ما، رژیم دست‌نشانده پهلوی را به
زیاده‌دان تاریخ افکنده و در کشور ما جمهوری اسلامی با خصلت ضد امریکالیستی و
صلحخواهانه برقرار شده، باید سیاست خارجی کشور ما نیز - برخلاف سیاست خارجی
«ژاندارم منطقه» - سیاسی باشد در جهت تحکیم صلح و همزیستی با همسایگان. در
جهت ایجاد محیط سالم و امن در منطقه. در این راه باید فعال بود، همان‌گونه که به‌خاطر
پاکسازی محیط، در النای قرارداد دو جانبه و دیگر قراردادهای نظامی با امریکا نباید
امروز را به‌فریاد انداخت. ارائه پیشنهاد عقد قرارداد دوستی و عدم تعرض به همسایگان،
به‌همه همسایگان، اقدام مهمی است که کشور ما را در جای شایسته‌ای در صف نیروهای
صلحخواه منطقه و جهان در برابر تجاوزکاران امریکالیست و صهیونیست قرار خواهد داد.

افکار عمومی جهان پیگرد، شکنجه و کشتار کمونیست‌ها و دمکرات‌های عراقی را محکوم می‌کند

از کشور همسایه ایران عراق اخبار روز
به‌روز نگرانی‌آورتری می‌رسد. جاننازترین
رزمندگان راه آزادی و دمکراسی و
پیشرفت اجتماعی عراق، یعنی اعضای
حزب پیشاهنگ طبقه کارگر - حزب
کمونیست عراق - دیرینه دستخوش پیگرد
و شکنجه و آزار وحشیانه مقامات حاکمه
آن کشور هستند. تاکنون ده‌ها تن از
رهبران و دیگر مبارزان برجسته این حزب
به‌دست دولت حزب بعث عراق کشته شده‌اند.
کشتار بیرحمانه کمونیست‌ها و
مبارزان دمکرات عراقی، موجی از خشم
و نفرت علیه زمامداران بعثی در سراسر
جهان به‌جا داشته است.
در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای
سوسیالیستی جرات و اجتماعات بزرگی
به‌نمانی همبستگی با برادران عراقی
تشکیل می‌شود و اعمال غیرانسانی شکنجه
گران به‌شدت محکوم می‌گردد.
روزنامه «مورنینگ استار»، ارگان حزب
کمونیست انگلستان، ضمن شرحی در توجیه
شکنجه و ترور کمونیست‌های عراق، افکار
عمومی را به‌تشیبانی از این رزمندگان و
ارباب نامه اعتراض به حکومت بعث دعوت
کرده است.

روزنامه «اومانیت»، ارگان حزب
کمونیست فرانسه، اعلامیه‌ای در این زمینه
صادر کرده و در آن خاطرنشان ساخته
است که: «حزب ما بارها کشتار بی-
رحمانه کمونیست‌ها و دمکرات‌های عراق
را مورد نکوهش قرار داده و مراتب تأسف
عمیق خود را در این زمینه ابراز داشته
است. از سوی دیگر حزب کمونیست فرانسه
بارها با نمایندگان حکومت بعث عراق به
گفتگو و بحث پرداخته است، ولی متأسفانه
مقامات بعثی به‌جای تغییر روش خسود،
شدت عمل بیشتری به‌خرج داده‌اند.»
افکار عمومی کشورهای عربی و دیگر
کشورهای جهان نیز با تشکیل میتینگ‌ها
و جلالت بزرگ، بیدادگری‌ها و اعمال
تروریستی وحشیانه زمامداران عراقی را
محکوم کرده‌اند.
محافل اجتماعی ترقیخواه و دمکراتیک
ایران از تبهکاری‌های مقامات عراقی علیه
کمونیست‌ها و دمکرات‌های عراقی به‌شدت
ابراز خشم و برآشفتگی می‌کنند. حزب
توده ایران ضمن محکوم کردن اعمال
بیدادگرانه حزب بعث عراق، قطع‌بی‌درنگ
این رفتار غیرقانونی و ضد ملی را با
قاطعیت تمام خواستار است.

پهلوی‌ها و امریکالیست‌ها می‌خورانند.
اموال بیش از حساب این دوتن اخیر،
که نمره سال‌ها بهره‌کشی بی‌حساب و کتاب
وزیر سایه ساواک شاهنشاهی بود، نسیز
به‌تصرف خلق متضعف درآمد.
امام خمینی به‌درستی گفته است که
برای دفاع از حقوق ۳۵ میلیون پسر
ایرانی، می‌بایست این ضد بشرهای خون-
ریز و استثمارگر را هرچه زودتر نابود
کرد و لایه‌های فاسد توطئه ضد انقلابی
را هرچه سریع‌تر درهم کوبید.
عمل انقلابی دادگاه‌ها یکی از بارزترین
نمونه‌های قاطعیت انقلابی ضد امریکالیستی
و دمکراتیک ماست، که به‌خاطر دفاع از
دستاوردهای خلقی آن ضرور است که
همچنان قاطعانه و بی‌تردید به‌پیش رود
تا تمام مراکز توطئه و تحریک امریکالیستی
و ساواکی و صهیونیستی، این دشمنان خلق
و انقلاب مارا نابود کند.
همه آن صدها هزار نفری که در میتینگ
های اول ماه مه، از ته دل به‌دادگاه‌های
انقلاب درود فرستادند و تداوم عمل قاطع
آن‌ها را خواستار شدند، همه آن میلیون‌ها
نفری که در این روزها خیر آراء جدید
دادگاه‌ها و اجرای آن‌ها را شنیدند و
به‌آن آفرین گفتند، مصمم و یک‌دل پشتیبان
دادگاه‌ها هستند و صمیمانه به‌آن‌ها درود
می‌فرستند.
عمل دادگاه‌ها مطابق با نیاز پیشبرد
انقلاب و مطابق با رهنمودهای قاطع امام
خمینی است.
زنده‌یاد دادگاه‌های انقلاب!
هرچه قاطع‌تر باد تدابیر ضد امریکالیستی،
ضد صهیونیستی و ضد سرمایه‌داری وابسته
استحکام بخش انقلاب!

مشت نیرومند دادگاه‌های...
شدند.
بهرآستی که فریاد شوق و شغف مردم
زحمتکش و انقلابیون از تداوم عمل انقلابی
دادگاه‌های انقلاب بر سر هر کوی و بام
برخاست. هرکس که خبرها را در دو روز
متوالی از رادیو شنید، یا در روزنامه
خواند، بار دیگر به‌سخت‌گیری انقلابی و
به‌بیگیری قاطع دادگاه‌های انقلاب درود
فرستاد. طی این اعدام‌های اخیر باز لانه
های کثیف دیگری از غریبای جرار
درهم کوفته شد.
معدومین اخیر چ‌کسانی هستند؟ اولاً
یک گروه از دستیاران سیاسی رژیم طاغوت،
که در پست‌های حزبی و وزارتی و مجلسی،
در خدمت حکومت خودکامه و میهن‌فروش
بودند. ثانیاً یک‌دسته بزرگ از شکنجه
گران سرشناس بی‌وجدان و دیو صفتی
که در سیامچال‌های محمدرضا پهلوی،
پسران و دختران مبارز و میهن پرست ما
را به‌وحشیانه‌ترین وجهی عذاب می‌دادند
و می‌کشتند. دوماً چند نفر دیگر از سران
خونخوار ارتش، که گلوله‌های رگبار
اسلحه امریکائی ارباب را بی‌دریغ در
قلوب گرم ایرانیان وطنخواه می‌نشانند و
بالآخره - برای نخستین بار - در بین
معدومین دوتن از غارتگران به‌نام و
سرمایه‌داران زالوصفتی دیده می‌شوند که
سرمایه‌های خود را با سرمایه انحصارهای
امریکالیستی امریکائی و صهیونیستی و با
بساط چاولگری خانواده پهلوی پیوند داده
و از هرگونه شرف و حیثیت ایرانی و
انسانی بی‌بهره بودند. اینان توده عظیمی
از زحمتکشان را مستقیماً و مصرف‌کنندگان
را غیر مستقیم استثمار می‌کردند و به

مبارزه می‌کنند و ضد مذهبی‌گری را
یک تحریک خرابکارانه می‌شمرند. همه
آن‌ها صادقانه می‌گویند که نه فقط
برای زمان حال، بلکه برای دورنمای
آینده هم زبان مشترک، وحدت کلمه

و اتحاد عمل با نیروهای مختلف
انقلابی، اعم از مذهبی و غیرمذهبی
پیدا کنند. اشاره شما دوست عزیز
به «دسیسه» کاملاً درست است. به‌دام
توطئه جنگ مذهبی نباید افتاد؛
انقلابیون صدیق دست در دست هم،
حتی برای یک لحظه دشمن اصلی،
یعنی امریکالیسم امریکا و سرمایه‌داری
وابسته و دارو دست شاه سابق را که
بسیار فعالانه و موزیانه مشغول دسیسه
بازی هستند و منجمله مسئله مذهب را
علم کرده و عمده جلوه می‌دهند،
فراموش نخواهند کرد.

شعری که بر سنگ مزار خسرو روزبه نوشته شده:
مردی، که توده از تن و جانش، توان گرفت
شععی، که در سکوت شب ما، زبان گرفت
شایای حرمت است، در تنگی به‌خاک دوست
خاکی که آفتاب، در آن آشیان گرفت
از فرهاد ره‌آور